

# بحران دولتی تنها در چارچوب انقلاب قابل حل است

## امام علی

### فروزان ودست نایافتنی

فردا یکشنبه ۱۲ مردادماه برابر با ۲۱ ماه رمضان، سالروز رحلت حضرت علی امیر مؤمنان، امام اول شیعیان و چهره تابناک اسلام راستین و مبارز است. زندگی، آموزش و شهادت علی ابن ابیطالب، الهام بخش مبارزان حق دوست و عدالتخواهی است که امروز نیز علیه ستم و بهره کشی، علیه دروغ و زنا، علیه پستی و ذنات قدس علم کرده اند. شهادت امام اول شیعیان را به همه پیروان راه او تسلیم میگوئیم.

بدین مناسبت مقاله ای را که به قلم م. ح. شهری زیر عنوان «امام علی، فروزان ودست نایافتنی» در شماره چهارم ماهنامه «دنیا» نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران درج شده، میخوانید.

صفحه ۳

تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت با جان دشواریهایی روبرو شده که اگر همه مقامات رژیم جمهوری اسلامی حداکثر صداقت انقلابی و حسن مسئولیت خود را برای حل آن بکار نگیرند، وضع ناروشن و دشوار کنونی می تواند به یک بحران جدی سیاسی فرا رود. دستهای آلوده ای در این جهت می گویند و با سیاست هرچه بدتر بهتر، آب به آسباب بحران می ریزند و در این لحظه حساس که باید تمام نیروی جامعه برای تیشبرد انقلاب و مقابله با دسسه های امپریالیسم و عمال آن تجهیز شود، به عقده کشایی و گروختی مشغولند. ما نظیر این وضع را در آستانه ۲۸ مرداد شاهد بودیم. کسانی دور حکومت را گرفته بودند که از اتحاد نیروهای انقلابی و بالاتر از آن از خود انقلاب می ترسیدند. بجای طرح و حل مسائل اساسی انقلاب، به مسائل درجه دوم می پرداختند و دانسته و فهمیده حادثه می آفریدند و نظر مردم و دولت را از مقابله با امپریالیسم آمریکا و دربار پهلوی که مسئول توطئه بودند، منحرف می کردند. در آستانه ۲۸ مرداد باقی ها و زاهدی ها که روزی خود را در صف انقلاب بنیان کرده بودند دیگر افتخار شده و آشکارا در صحنه ضدانقلاب قرار داشتند، اما جای آنها در حکومت مصدق خالی نبود. عناصر نفاق افکن دیگری بودند که مدام به تشدید اختلاف کمک می کردند: کسانی را از مصدق، مصدق را از حزب توده، ایران جدا می کردند. آن روز نتیجه کار این خرابکاران تفرقه افکن و نتیجه دودلی و سستی کسانی را که از انقلاب می ترسیدند دیدیم و ۲۵ سال تاوان آن را برداشتیم. ولی متأسفانه هنوز هم به اهمیت اتحاد نیروهای انقلابی و ضرورت قاطعیت انقلابی معترف نیستیم.

تصدما، توصیه اخلاقی و یا بیان حقایق معلوم نیست. ما مقامات مسئول و همه کسانی را که اعتقاد به انقلاب ایران دارند به مسئولیت دعوت می کنیم. اگر آنان امروز به این دعوت پاسخ ندهند فردا در برابر مردم پاسخگو خواهند بود.

به نظر ما دشواری کنونی، به هیچوجه غیر قابل حل نیست. راه حل دارد. و این راه حل یکی و فقط یکی است: طرح و حل مسئله در چارچوب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران. زیرا مسئله در این چارچوب طرح شود حل خواهد شد و اگر در چارچوب دیگری طرح شود، ولو موقتا راه حلی پیدا کند، سرانجام گامی به سوی بحران شدیدتری خواهد بود.

تجربه ۱۸ ماهه پس از انقلاب مویذ این مدعاست. دولت موقت به تبعیت از ماهیت بورژوازی اش، پیشرفت انقلاب را تیز می کرد و در نتیجه دشواری پشت دشواری، بحران پشت بحران بوجود آورد. پس از دولت موقت، دولت «موقتتر» شورای انقلاب تقریبا با همان ابزار و بسا همان سیاست کارها را اداره کرد، در نتیجه آن، بحران کنونی پدید آمد. و اگر امروز به نوعی روی مسائل اساسی سربوش گذاشته شود و دولتی که ماهیتا نظیر دولت موقت باشد بوجود آید هر قدر هم که آن را دولت جاویدان بناقتند، عملا موقت خواهد بود و باری از دوش مردم بر نخواهد داشت و بر دشواریها خواهد افزود.

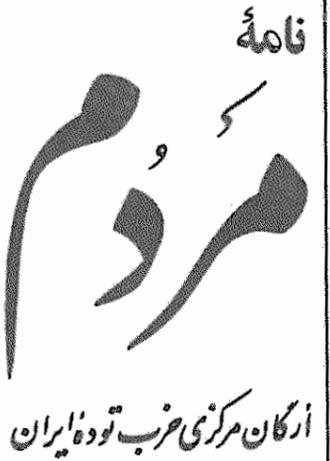
بقیه در صفحه ۲

### ترفند دیگر امپریالیسم آمریکا

در روزهایی که امپریالیسم آمریکا با جدیت در کار تدارک توطئه دیگری علیه انقلاب ماست، دست به یک طرفند جدید سیاسی زده است. ۱۸۵ تن از اعضا کنگره آمریکا، اخیرا نامه ای خطاب به مجلس شورای اسلامی ایران ارسال داشته اند، و در این نامه با لحنی مودبانه هم نهدید امیز و هم آشتی جویانه «نگرانی عمیق» خود را از «انحطاط روابط فی مابین که نتیجه نكهداری اتباع آمریکایی به عنوان گروگان است» ابراز نموده و یادآور شده اند که: «در زمانی که ملل آزاد در زیر حملات نیروهای سلطه جو و توسعه طلبی که رو به رشد هستند، قرار دارند حل این موضوع جدی و همجانیه مورد نیاز دولت می باشد تا بتوان به خطرات خیلی مهمتری که صلح جهانی را تهدید می کند بپردازیم». علاوه بر این در این نامه آمده است که:

«از شما مصرا نه می خواهیم به عنوان اولین قدم در راه حل خطرات خیلی مهمتر و حساس تر که ملل جهان و دنیای کنونی با آن روبروست، برای موضوع گروگانها، مهمترین و بالاترین اولویت را قائل شوید».

بقیه در صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۹۸  
شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۹، تک شماره ۱۵ ریال

### زوزه های خشم و درد سرسپردگان پکن و وازدگان پیر و مشی جبهه ملی از شکست توطئه های امپریالیسم آمریکا و گسترش دایره حامیان انقلاب

علی چنگیزی ها، محمد جعفری ها، غضنفر پورها و سید حسین نواب صفوی ها کسه جنون آمیز به حزب توده ایران و تحولات مثبت اخیر دنیروهای انقلابی می تازند، در واقع از شکست توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، رنج می برند و میسوزند.

در بی تحولات مثبت و صحیحی که در نظریات سازمان چریکهای فدایی خلق و بخشی از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران پدید آمد و نیروهای صدیق و انقلابی در درون این دو جریان با اتخاذ موضعی قاطع علیه انحرافات و گرایشهای ضدانقلابی نیروهای ناسالم، راه خود را از آن جدا ساخته و به سمتگیری قاطعی به سوی انقلاب ایران و در جهت حمایت از رهبری انقلاب روی آوردند، سیل دشنام و انتراعلیه آنها و به این بیانه علیه حزب توده ایران، نه فقط از نثریات آشکارا ضدانقلابی، بلکه حتی از نثریاتی که خود را مدافع جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران می دانند، جاری شده است.

متأسفانه تا به حال اصولا دیده نشده است که یکی از این نثریات مدعی مدافعه از انقلاب ایران و مصالح آن، حتی کلمه ای به این تحول مثبت که در صورت تکامل خود، انقلاب ایران را به شدت تقویت کرده و می رود تا نیروهای بزرگی را به سود آن و علیه تحریکات و توطئه های امپریالیسم آمریکا، به خدمت گیرد، تهنیت گوید. مضمون کلیه این «تحلیل» ها چنان است که گویی بخش عمده سازمان چریکهای فدایی خلق و نیروهای بزرگی که در حزب دموکرات کردستان ایران به جانب پشتیبانی از انقلاب و رهبری انقلاب روی آورده اند، نه تنها به اقدام صحیحی دست نزده اند، بلکه اگر در مواضع نادرست بینین باقی می ماندند و یا همچون نیروهای بجا مانده، جمهوری اسلامی ایران را «ضد خلقی» می خواندند و در جهت سرنگونی آن با توطئه های امپریالیسم آمریکا، بعث عراق و دیگر دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران، هم آوا و هم بیان می شدند، «خدمت» بزرگتری انجام داده و بیشتر مورد «محبت» نویسندگان مقالات واقع می شدند.

در حقیقت نیز چنین است و تمامی این «تحلیل» ها از این موضع ضدانقلابی و مشکوک بومی خیزند که جدا کردن روشن مرزها با آنچه را که «انضاب» نامیده شده سرود می شمردند و نیروهای سالم و انقلابی در سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دموکرات کردستان ایران را با زیر پا نهادن تمامی موازین اخلاقی و با توسل به رکیکترین دشنام ها مورد نفی و حمله قرار می دهند و با برخوردی به شدت عصبی و هیستریک، ناراضی شدید خود را از تقویت مواضع انقلاب ایران، اعلام می دارند.

ویزگی دیگر این «تحلیل» ها، دشنام های غلاظ و شداد علیه حزب توده ایران است و در واقع این حزب توده ایران و مشی انقلابی آنست که به بیانه «انضاب» مورد حمله قرار می گیرد. بی تردید باید گفت که تنها ضدانقلاب و عمال امپریالیسم آمریکا و سرسپردگان پکن هستند که از پیروزی و گسترش نفوذ مشی و نظریات حزب توده ایران که بگیرترین مدافع جمهوری اسلامی ایران (نه فقط از لحاظ

بقیه در صفحه ۲



### دکتر چمران پرسش کیهان در پاسخ به در مورد جری جلو گیری از کودتاهای احتمالی آینده چه باید کرد؟ از جمله گفته است: در ارتش زمینه کودتا وجود ندارد و نه در خارج از آن. عناصر غیر مؤمن در ارتش پس از پیروزی انقلاب، کنار گذاشته شدند!! (کیهان، ۸ مرداد)

چند تن از مسئولین جمهوری اسلامی ایران، در این مورد گفته اند:

### رئیس جمهوری:

«دشمنان ما شب و روز برای از پا در آوردن ما توطئه می بینند. هر روز من دهها گزارش می شنوم می خوانم دربار این توطئه ها» (از سخنرانی رئیس جمهوری در مسجد نصرت الحسین، «انقلاب اسلامی»، ۸ مرداد)

### نماینده امام در پادگان نوژه:

«بنابراین آنچه من اطلاع دارم حدود پیش از ۳۰۰ نفر (از عوامل کودتا در ارتش) دستگیر شده اند... البته از این تعداد هنوز ضامنان شناسایی نشده و روابط کا ملا کشف نشده برای ما... بعضی از عناصر را اینها فرار کرده اند، ولی اینها دست از توطئه بر نمی دارند... من احتمال می دهم که دست تیمسار ربی قری در این جریان درگیر نبوده و این کار در ارتش به تیمسار ربی قری منتهی می شود و تیمسار ربی قری خاشاک است و باید دستگیر بشود و با بدما کسه مجازات بشود و حتی اگر خوب بررسی شود، شاید از زندان هم سردر بیاید و رند» (از مصاحبه اختتامی جمهوری اسلامی، ۹ مرداد با حجت الاسلام رضوانی، نماینده امام در پادگان نوژه)

### امام جمعه اهواز:

«شب حادثه، رمزی از تهران آمده است و آن رمزا زبیا لایودوبا دیدریشه آنرا پیدا کرد که بطوراً اینها رخنه کرده اند. آن رمزان بود که به ارتش دستور داده اند در آسمان ما هر چه هواپیما پرواز کند، هیچیک... حق ندارند در خدمت ما بیجا بکار ببرند» (انقلاب اسلامی، ۸ مرداد، «وقایع اتفاقیه») لازم به تذکر است که توطئه گران دستگیر شده در ارتش که به بیش از ۶۰۰ تن بالغ می شوند، طبق اطلاعات موثق، تنها بخشی از کل توطئه گران هستند و هنوز بخش قابل توجهی از چنانیتکاران توطئه گرد در ارتش، کشف نشده اند و اینان همچنان که توطئه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، مشغولند.

### حکومت «اشخاص متفرقه»

### ادامه دارد

خاطر داده است که اعمالشان بدون مجازات خواهد ماند؟ از اذداستانی کل انقلاب و از اذداستانی کل کشوری خواهیم که به این برشها پاسخ دهند. آیا در کشور ما غیر از اجزایی که رسماً موجودیت خود را اعلام کرده اند احزاب دیگری با رهبری ویرنا مه و سازمان مخفی وجود دارند؟ آیا برنا مه، اید تلوژی، اقدامات و اعمال این سازمانها - از جمله سازمان با مصطلح «جوانان جنوب» - بر مقامات مسئول دولتی و مقامات قضایی و انتظامی کشور معلوم است؟ آیا رهبران آنان شناخته شده اند؟ اگر آری چرا آنها را به مردم معرفی نمی کنید و اگر نه تکلیف مردم چیست؟ ما به خود این با مصطلح سازمانها هم مراجعه می کنیم، و از آنها می پرسیم که اگر شما واقعا مسلمان هستید، در جمهوری اسلامی خودتان را از چه کسی بنیان می کنید؟ چرا برنا مه خودتان را از ابتدا تا انتها به مردم نمی گوید؟ چرا رهبران و تصمیم گیرندگان خودتان را معرفی نمی کنید؟ چرا آدرس دفتر و کلوستان را به اطلاع مردم نمی رسانید که اگر کسی خواست عضو سازمان جوانان جنوب... بشود به آنها مراجعه کند؟ راستی شما چگونه عضوگیری می کنید؟ برای سازمان جوانان شرقی، چه نقشه ای دارید؟ بطور می بینید که اقدامات شما یک روز با حادنه طیس و روز دیگری با توطئه کودتاسا همزمان می شود؟ فقط تصادف؟! با و رکنیم؟ ما می دانیم که حضرات به این پرسشها پاسخ نخواهند داد. آنان به قانون جنگل معتقدند و فقط در جنگل می توانند زندگی کنند.

اما از مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی جدا طلب می کنیم که به این وضع پایان دهند. و به مردم توضیح دهند که حکومت دست کسی است؟ اشخاص متفرقه؟ و با مقامات قانونی جمهوری اسلامی ایران؟

### برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### روزه‌های خشم...

نظری، بلکه مهمتر از آن در عمل است، ناراضیند و با این شیوه دیوانواران بدنام حمله می‌کنند. تنها ضدانقلاب و عناصر فاسد و واژه و مزدور می‌توانند از گسترش دایره نیروهای حامی و مدافع انقلاب ایران، ایشان به وحشت بیافتند و ایشان این روند را به باد حمله گیرند.

روسی این "تحلیل" ها از اختلافات ایدئولوژیک بر نمی‌خیزد. مابین ایدئولوژی سازمان چریکهای فدائی خلق، حزب دموکرات کردستان ایران (بیرو کنگرسه، چهارم) و ایدئولوژی نشریات مورد بحث، هم‌اکنون نیز به همان اندازه اختلاف وجود دارد که در گذشته وجود داشت، اما تفاوت کیفی مبنی سیاسی کنونی آنها با گذشته، آنتسکبه اکنون آنها برخلاف گذشته با ستگیری قاطعی بسوی انقلاب منوجه شده‌اند و برعکس "تحلیل" ها، با سمدگیری قاطعی به سوی ردیله‌ترین تهمت‌ها و دشنام‌ها و خشم و کینه‌های بی‌سابقه و دیوانوار، گرایش یافته‌اند.

این امر نه تصادفی است و نه غیرقابل پیش‌بینی، بلکه انعکاس مستقیم عکس‌العمل محافل مشکوک است که از گسترش و تعمیق انقلاب ایران به شدت ناراضیند و بدردستی این تحولات را به سود انقلاب ارزیابی می‌کنند.

کوشش نویسندگان این "تحلیل" های ضدانقلابی، در این مضمون خلاصه می‌شود که چریکی و دموکراتهای صریح و انقلابی را از جهت‌گیری به سود انقلاب ایران برسانند و با ایجاد یک موج عظیم روانی علیه آنها، بیست‌سوی مثبت این نیروها را کند سازند و بر نشئت ثری آنها و دیگر نیروهای صریح مذهبی که علل تحولات اخیر را بدردستی در نمی‌یابند، بیفزایند.

آنها پیشرفت انقلاب ایران را که موجب انشعابات اخیر گردید، کتمان می‌کنند و وانمود می‌سازند که این تنها نوظه‌ای از جانب حزب توده ایران و "شوری" بوده‌است تا این سازمانها را ببلندند. آنها نقش قاطع و بیگانه رهبری انقلاب را در رهبری روند ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب ایران که موجب هشیار شدن نیروهای صریح انقلابی گردید، پنهان می‌سازند و بدین طریق در واقع ناراضی شدید خود را از تقویت مواضع این رهبری که به موجب استواری و بیگیری انقلابی خویش سزاوار آن بوده است، اعلام می‌کنند.

یک حزب توده ایران در تسریع این روند نقش برجسته‌ای داشته است که بدان می‌یابند، ولی تنها فرضین، کویا بدندان و ضدانقلابیون می‌توانند مابین مشی حزب توده ایران و مشی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران، خط جدایی بکشند و بیسرفعت مشی انقلاب ایران را به این علت که صحت مشی حزب توده ایران را به نبوت می‌رانند، نفی کنند و آن را مورد حمله قرار دهند.

چنانکه گفتیم شیوه، فرضانه برخورد با تحولات اخیر در درون نیروهای جب، از موضعی مشکوک و ضدانقلابی بر خاسته است. حقایق نشان می‌دهد که این گفته‌ها بی‌اساس است و در واقع رهبری این هجوم هیستریک علیه تحولات مثبت اخیر، برعهده، ماژوئیت‌ها، عناصر وابسته به گروهک ضد انقلابی "رنجران" و عناصر واژه و مشکوک بیروخط جمیه طی که متاسفانه حتی در نشریات مدعی بیروی از خط امام نیز رسوخ کرده‌اند، قرار دارد.

ماژوئیت‌ها، این متحدان امپریالیسم آمریکا که با تمام قوا علیه انقلاب ایران و تعمیق جنبه ضدامپریالیستی و خلقی آن نوظه نمی‌کنند و از گسترش این روند "رنج" می‌برند، تحولات مثبت در درون نیروهای جب را در نشریات خویش با خشم و کین آنتشین استقبال کردند و متاسفانه عناصری از آنها که در نشریات دیگر نفوذ کرده‌اند، با استفاده از موضع سازگاران برخی از گردانندگان این نشریات و یا با سوءاستفاده از موضع ضدکمونستی برخی نیروهای آگاه ولی صریح مذهبی، موضع ضدانقلابی خود را به درون آنها نیز بردند و آنها را به تریبون بخش این نظریات بدل کردند.

مقاله‌ای که در کیهان، چندی پس از انشعاب در سازمان چریکهای فدائی خلق منتشر شد و ما نشان دادیم که نه فقط از نظر مضمون، بلکه حتی از نظر جمله بندی یا موضع "رنجر" در این مورد، مشابهت دارد، مقاله‌ای که سپس عینا به صفحات "رنجر" نیز منتقل گردید، بیانگر نفوذ این نظریات ضدانقلابی و مخرب به درون نشریات کثیر-الانتشار بود.

اطلاعات نیز در تاریخ ۲ مرداد، مقاله‌ای با همان مضمون منتشر داد که به سرعت در "رنجر" تجدید چاپ شد. ما در پاسخ بدان، علیرغم آنکه آن زمان از هویت نویسنده اطلاع نداشتیم، اعلام کردیم که این فرد مجهول‌الیه برای ما لابد "علوم‌الحال" برای سوزی نویسندگان اطلاعات "هنوزبا معیارهای ساواکی می‌اندیشد" و در آرزوی "سلطه" مجدد امپریالیسم و ساواک و سیا بر می‌برد. ما در مورد ماهیت "چنگیز علوی" و امثال وی نوشتیم که "در فضای آلوده رژیم پهلوی ولجن‌زار ساواک، انواع این موجودات پرورده شده‌اند که هنوز هم در کافیا و درزهای خامه به نوعی می‌پولند و تا فرصتی به دست آید سر از سوراخ بدر می‌کنند."

ما در نامه "مردم"، شماره ۲۹۳، به "شورای نویسندگان اطلاعات"، که "پس از گسستن از دستگاه طاغوت تحول مثبتی داشته است، شدیداً اعتراض کردیم و نوشتیم "که نمی‌توانیم باور کنیم که آنان به اتفاق آراء اجازه چاپ چنین مطالبی را داده باشند."

حس ما درست بود. جانور "خزنده" ای که نام خود را چنگیز علوی نهاده بود، در واقع یکی از همان کرمهای لجنزار متعفن ماژوئیتیم به نام علی چنگیزی است که هم اکنون نیز از اعضای تحریریه "عدالت"، از جمله ورق‌بازهای وابسته به گروهک ضدانقلابی "رنجران" است. این شخص قبل از تعطیل نشریه ضدانقلابی "پیغام‌مروغ"، همراه دیگر هیالکهای ماژوئیت خود در آن زهرهای شمش علیه انقلاب ایران مشغول بود و در دوران سردبیری شمس آل‌احمد به روزنامه اطلاعات خزیده است.

ما انتظار داریم که گردانندگان روزنامه اطلاعات که می‌کوشند تاریخ تیره ۵۰ سال گذشته روزنامه را جبران کنند و هم‌اکنون گروهی از عناصر صریح و متعصب را در اختیار خود دارند، هرچه سریعتر این آلودگی را از امان خود، پاک سازند.

۵ مرداد روزنامه "انقلاب اسلامی"، در مقاله‌ای به حجم سه‌چهارم صفحه، به نسق و روش مذکور و زیر بهانه "تحلیل انشعاب"، به لجن‌پراکنی علیه حزب توده ایران پرداخته است تا شاید سوزش درد رسوایی و شکست را در خود و هم فکران ضدانقلابی خود، تسکین دهد.

این مقاله که "حزب توده و خط امام" نام دارد، زیر لوای حمایت از رئیس جمهور و بدون رعایت هیچ گونه موازین اخلاقی، اوپاشانه، آنچنان دورغیایی علیه حزب توده ایران به هم بافته است و آنچنان دشنام‌های خشم-آگین نثار حزب توده ایران کرده است که اکنون نظیر آنها تنها از بختیار و بلندگوهای ضدانقلاب که از شکست‌کودتای اخیر بدست بخشم آمده‌اند، شنیده می‌شود.

آقای نواب صفوی، مقاله خود را با بهانه "مفهوم ساختن" انشعابیات اخیر در درون گروه‌ها و نیروهای "جب" آغاز می‌کند و سپس می‌نویسد:

"بسیاری، این حرکت‌ها را نشانه بر سر عقل آمدن این گروه‌ها می‌بینارند... اما"

اما وی عقیده دیگری دارد. او معتقد است که احزاب جب در کشور ما دو راه بیشتر در مقابل خود نمدارند، نخست راهی است که "سازمان‌های بیگار، کومه، چریک-های فدایی اسرف دهقانی و اخیراً اقلیت سازمان چریکهای فدایی خلق" رفته‌اند. وی مشخصه مشی این گروه‌ها را "دکاتیسیم و وجود فکری" و "برداشتها و ارزیابی‌های نادرست از اوضاع جامعه و روند جریانها، ماهیت دولت، نحوه عملکرد امپریالیسم و..." اعلام می‌کند و می‌نویسد که در پیش‌گرفتن این مشی، این نیروها را "از اتخاذ یک مشی سیاسی باز می‌دارد."

او در ادامه درست این استنتاج خود می‌نویسد:

"ماهیت شکنی نیست اگر این احزاب جندنفره، نادانسته و در مواردی دانسته، جاده‌شانگن ضدانقلاب شوند و کسر خدمت به سلطه‌گران برینند."

اما نواب صفوی رشته منطقی این استدلالات صحیح و محکوم‌کننده را در همین جا می‌برد و به مبتدل‌ترین شکل، رگبار دشنام را علیه چریکهای اکثریت و به‌طور عمده علیه حزب توده ایران می‌کشد!

او که معتقد است چریکهای اقلیت، "برداشتها و ارزیابی‌های نادرست از اوضاع جامعه"، "ماهیت دولت" و "نحوه" عملکرد امپریالیسم دارند و فاقد "یک مشی سالم سیاسی" هستند، او که تصریح می‌کند که آنان "جاده صافکی ضدانقلاب" و "سلطه‌گران" هستند، حتی یک‌کلمه از اینکه "چریکهای اکثریت" که درست در قبائل همین انحرافات موضع گرفته‌اند و به جانب انقلاب و رهبری انقلاب گرایش یافته‌اند و از این مشی ضدانقلابی بریده‌اند، اظهار خسوودی نمی‌کند، بعکس مقاله سراپا دشنام وی علیه حزب توده ایران و بالنتیجه علیه چریکهای اکثریت، درست به تقویت مضمون موضع ضدانقلابی همت گماشته‌است.

راه دومی که همین جنبه نواب صفوی برای گروه‌های جب قائل می‌شود، راه "حزب توده" است. وی می‌نویسد:

"به میزانی که گروه‌ها و اجزات "جب" بلوغ سیاسی می‌یابند و فرمول‌های کهنه را در برخورد با واقعیات سرتخت و خشک اجتناعی و حل مضللات سیاسی خود، ناتوان می‌بینند، به همان میزان تمایل آنان به پذیرفتن حمایت نواب صفوی:

در حقیقت هنگامی که حزبی چون حزب توده... از پذیرفتن رهبری امام و در خط او بودن، سخن می‌گوید، جریان بیشتر به‌سوخ شباهت دارد."

اما در واقع آنچه که بیشتر به سوخی شبیه‌است، ادعای نواب صفوی‌ها و انواع جوجه جبهه‌طلی‌ها و سرسپردگان بکن است که خود را زیر لوای "اسلام"، "انقلاب اسلامی" و "آیه قران" پنهان می‌سازند، ولی در عمل با زیرسرا گذاردن اخلاق و با توسل به سلاح دشنام، افترا و دروغ، علیه تحکیم موفقیت انقلاب و رهبری انقلاب، موضع می‌گیرند و گرایش نیروهای صریح و انقلابی را به‌جانب حمایت قاطعانه از انقلاب، مورد حمله قرار می‌دهند. آنچه به سوخی بیشتر شبیه است، حمایت سالوسان و ریاکارانی چون نواب صفوی‌ها از اسلام امام خمینی و خط امام است نه موضعگیری صادقاته حزب توده ایران که بدون کتمان اعتقادات ایدئولوژیک خود، وجه عمده خطر رهبری انقلاب یعنی وجه ضدامپریالیستی و خلقی و وحدت‌طلبانه آن را می‌شناسد، می‌شناسد و با تمام قوا به حمایت نظری و عملی از آن همت گماشته است.

موضعگیری هماغن ماژوئیت‌های ضدانقلابی و توطئه‌گر با جوجه جبهه‌طلی‌های واژه علیه اقبال روزافزون جوانان صریح و ضدامپریالیست به جانب انقلاب ایران و پشتیبانی از رهبری آن، کاملاً قابل درک است. آنها در این روند شادی‌بخش، آرزوهای بلند خود را بریاد می‌بینند و به همین دلیل ایشان به زوره کشیدن افتاده‌اند.

انقلاب ایران در هرگامی که به پیش برمی‌دارد، هم مشت سرسپردگان بکن را که در پیوند با امپریالیسم آمریکا است می‌کشد و هم جبهه متعفن سازش و خیانت را از زیر نقاب مکلایه واژه، جبهه طلی، بیرون می‌پزند و تمهیدات این هر دو را برای کشاندن انقلاب ایران به مسیر مورد نظر امپریالیسم آمریکا، بی‌اثر می‌سازد.

آنچه قابل‌درک نیست، مسامحه نیروهای صدیقی است که علیرغم ماهیت آشکارا ضدانقلابی این عناصر، بدانها امکان می‌دهند تا زیر بوش "اسلام"، علیه انقلاب ایران، رهبری انقلاب و نیروهای صریح مدافع انقلاب و رهبری آن، به فحاشی و لجن‌پراکنی بپردازند.

حزب‌کهنه‌کار توده - قهرمان کارشکنی و خیانت (است) سیاستهای جریانهای "جب" ایران، توسط حزب توده و بطریق اولی بخش ایرانی دایره فکالیتهای خارجی حزب کمونیست شوروی تدوین و تنظیم خواهد شد.

ایدئولوژیک "حزب مادر"... افزایش می‌یابد. اما به ادعای وی راه حزب توده ایران (که خطرناک‌تر است و به همین دلیل باید علیه آن نزدیک به یک صفحه از دشنام بز کرد)، "حمایت لفظی از جمهوری اسلامی" و "اشتغال به انواع و اقسام کارشکنی‌ها" "درباره آزادبهای قانونی" و توسل به هرگونه "تخریب برای تنگ نمودن عرصه بر جمهوری اسلامی" است. او همچنین حزب توده ایران را "قهرمان کارشکنی و خیانت" می‌نامد و مدعی می‌شود که حزب توده ایران "به کوبیدن و تضعیف بنی‌صدر دل‌سسته" است و سرانجام ادعا می‌کند که "آقای کیانوری در مصاحبه‌های با لوموند و پس از انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری می‌گوید: ما بنی‌صدر را سرنگون خواهیم کرد!"

در مورد ادعای "حمایت لفظی" حزب توده ایران از جمهوری اسلامی، آقای نواب صفوی یا واقعیت را می‌داند و وقیحانه دروغ می‌گوید و با آنقدر از جریاناتی که پیش روی او می‌گذرد بی‌خبر است که نمی‌داند دروغهای بزرگ وی حتی کودکان را نیز نمی‌تواند مجاب کند. در واقع اگر آقای صفوی اندکی می‌دانست و یا کمتر از این به ناپیانی ناسی از غرض دچار بود، از اینکه در همان موضعی قرار بگیرد که بختیار به علت خشمش از "حمایت عملی" حزب توده ایران از جمهوری اسلامی، در آن موضع قرار دارد، احتراز می‌کرد و از ذکر همان دشنام‌هایی که شاه و ساواک و بختیار نثار حزب توده ایران می‌کردند (و می‌کنند)، دوری می‌جست.

به نظر ما حتی اگر آقای نواب صفوی قبل از اظهار چنین دروغی به آقای بنی‌صدر مراجعه می‌کرد و راجع به "حمایت لفظی" از وی نظر می‌خواست، هیچ‌گاه چنین کلماتی را بر کاغذ رقم نمی‌زد، این چنین موازین اخلاقی را زیر پا نمی‌گذاشت و مفت قلم را لگه‌دار نمی‌کرد.

در واقع آن کسانی علیه جمهوری اسلامی ایران "کار شکنی" می‌کنند و از هیچ‌گونه تخریبی برای تنگ‌نمودن عرصه بر جمهوری اسلامی احتراز نمی‌کنند، که بجای کوشش برای تأمین اتحاد و ایجاد تقاهم میان نیروها، با توسل به زشت‌ترین دروغها، تفرقه می‌پراکنند و حزبی را که "حمایت عملی" و صادقاته، خویش را از جمهوری اسلامی ایران به انبثات رسانیده است و شخصاً رئیس جمهور بمآن واقف است، با قلب جورانه حقایق، به تخریب و کارشکنی متهم می‌سازند.

دروغ دیگر نواب صفوی در اینکه حزب توده ایران به "کوبیدن و تضعیف بنی‌صدر دل‌سسته" است و اینکه دبیر اول حزب ما در مصاحبه با لوموند گفته است "ما بنی‌صدر را سرنگون خواهیم کرد"، سرنابا کذب محض است و ساخته و پرداخته ذهن ایشان است. این دروغ نمایان نیز از دل سوخته یک عنصر واژه و ورشکسته برخاسته است که انقلاب علیرغم تمایل او به پیش می‌رود.

در واقع عرصه نه بر جمهوری اسلامی ایران، بلکه بر امثال نواب صفوی‌ها تنگ شده است. این سرسپردگان بکن و دشمنان انقلاب ایران که گسترش انقلاب و نیروهای مدافع آن را "تنگ‌شدن عرصه" لقب می‌دهند و شکست نوظه‌های بی‌دری امپریالیسم آمریکا را "تخریب" می‌نامند، در واقع دل بر آرزوی بلید خود می‌سوزانند و در قبال آن به قنای نشستند. بی‌پرده نیست که نواب صفوی، درست در بی شکست نوظه کودتای آذربایجان، چنین علیه حزب توده ایران قلمفرسایی می‌کند و حتی کلمات علیه آمریکا سخن نمی‌گوید. در "تخریب" نوظه آمریکا علیه ایران حزب ما نقش شایسته داشته و همین امر برای او تحمل‌ناپذیر است.

در مورد مرزبندی‌های روشی یا "انشعابات" اخیر که صف نیروهای راستین جب را متمایز می‌کند و علیرغم زوزه‌های نواب صفوی‌ها به تقویت انقلاب ایران منجر شده‌است، بدون تردید حزب توده ایران نیز به مابه جز لاینک مشی ضدامپریالیستی و خلقی این انقلاب، اعتبار و جنبیت خاصی می‌یابد. این واقعیت درخشان، جشان ناپیستی جوجه‌های بیرو مشی ورشکسته "جبهه‌طلی" را که با تمام قوا برای ترمز کردن این انقلاب "زور" می‌زنند، بنسبت بدر آورده و به‌همین دلیل این چنین زوزه‌های دردناک آنها را برانگیزه است.

نواب صفوی می‌نویسد:

"در حقیقت هنگامی که حزبی چون حزب توده... از پذیرفتن رهبری امام و در خط او بودن، سخن می‌گوید، جریان بیشتر به‌سوخ شباهت دارد."

اما در واقع آنچه که بیشتر به سوخی شبیه‌است، ادعای نواب صفوی‌ها و انواع جوجه جبهه‌طلی‌ها و سرسپردگان بکن است که خود را زیر لوای "اسلام"، "انقلاب اسلامی" و "آیه قران" پنهان می‌سازند، ولی در عمل با زیرسرا گذاردن اخلاق و با توسل به سلاح دشنام، افترا و دروغ، علیه تحکیم موفقیت انقلاب و رهبری انقلاب، موضع می‌گیرند و گرایش نیروهای صریح و انقلابی را به‌جانب حمایت قاطعانه از انقلاب، مورد حمله قرار می‌دهند. آنچه به سوخی بیشتر شبیه است، حمایت سالوسان و ریاکارانی چون نواب صفوی‌ها از اسلام امام خمینی و خط امام است نه موضعگیری صادقاته حزب توده ایران که بدون کتمان اعتقادات ایدئولوژیک خود، وجه عمده خطر رهبری انقلاب یعنی وجه ضدامپریالیستی و خلقی و وحدت‌طلبانه آن را می‌شناسد، می‌شناسد و با تمام قوا به حمایت نظری و عملی از آن همت گماشته است.

موضعگیری هماغن ماژوئیت‌های ضدانقلابی و توطئه‌گر با جوجه جبهه‌طلی‌های واژه علیه اقبال روزافزون جوانان صریح و ضدامپریالیست به جانب انقلاب ایران و پشتیبانی از رهبری آن، کاملاً قابل درک است. آنها در این روند شادی‌بخش، آرزوهای بلند خود را بریاد می‌بینند و به همین دلیل ایشان به زوره کشیدن افتاده‌اند.

انقلاب ایران در هرگامی که به پیش برمی‌دارد، هم مشت سرسپردگان بکن را که در پیوند با امپریالیسم آمریکا است می‌کشد و هم جبهه متعفن سازش و خیانت را از زیر نقاب مکلایه واژه، جبهه طلی، بیرون می‌پزند و تمهیدات این هر دو را برای کشاندن انقلاب ایران به مسیر مورد نظر امپریالیسم آمریکا، بی‌اثر می‌سازد.

آنچه قابل‌درک نیست، مسامحه نیروهای صدیقی است که علیرغم ماهیت آشکارا ضدانقلابی این عناصر، بدانها امکان می‌دهند تا زیر بوش "اسلام"، علیه انقلاب ایران، رهبری انقلاب و نیروهای صریح مدافع انقلاب و رهبری آن، به فحاشی و لجن‌پراکنی بپردازند.

## یک ساواکی، سرپرست نشریه محرمانه خبرگزاری پارس بود

اسامی ۱۷ تن از اعضاء و منابع ساواک در خبرگزاری پارس، اعلام گردید و معلوم شد که یکی از اعضای ساواک، سرپرست بولتن ویژه این خبرگزاری بوده است، میدانید مفهوم آن چیست؟ مفهوم این خبرآنست که یک ساواکی مسئول نشریه‌ای بوده است که ویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شده و مهمترین اخبار و رویدادها را هر روز به نظر آنها میرساند.

مفهوم صریح تر این خبر، اینست که دستگاه جاسوسی امپریالیسم آمریکا، برای مدت ۱۸ ماه پس از انقلاب، امکان داشته است تا هر روز در اندیشه، مقامات جمهوری اسلامی ایران زهر بریزد و آنها را تدریجاً مسموم سازد و اخبار و اطلاعات را آنطورکه میل او بوده است به نظر مسئولان اموری برساند.

مفهوم دیگر این خبرآنست که امپریالیسم آمریکا آنچنان از هرماهی در قمار حسابی جمهوری اسلامی ایران در اختیار دارد که توانسته است نه تنها به مدت ۱۸ ماه عوام مل خود را حتی در دستگاه‌های نظراساز حفظ کند، بلکه یک جاسوس خود را به یکی از حساس‌ترین پست‌های تنها خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، بگمارد. چه کسانی، ۱۸ ماه از مردم ایسران و رهبران جمهوری اسلامی ایران، پنهان ساختند که مهمترین اخبار را ایران و جهان از دریاچه چشم سیا و درجهت اهداف کشف آن در اختیار آنان قرار می‌گرفته است؟ تمام آگاهانها از فضای چه کسانی ۱۸ ماه تمام آگاهانها از فضای لیست ساواکی‌ها ما نعت کردند؟ اقدام مثبت فضای اسامی ساواکی‌ها و منابع ساواک در خبرگزاری پارس، همچون افشاگریهای مشابه در مورد این مزدوران، موردتأیید ما است، اما انقلاب مایملباید که عا ملان ساواک با قاطعیت بیشتر افساء و معرفی و تقویه گردند و از همه مهمتر آن عوامی که در پستیهای حساس جا گرفته و جنبش حشیت و سرنوشت انقلاب ایران را به مخاطره می‌اندازند عوام مل امپریالیسم آمریکا را در مکانهای حساس ابقاء و حفظ می‌کنند، شناسائی، معرفی و محاکمه شوند.

### بقیه از صفحه اول

## بحران دولتی تهران...

ماهه کمال تاسف است که رهنمودهای صریح و روشن امام در مورد دولت آینده تقریباً بی‌اعتمادی سپرده شده و هیچ یک از طرفین دعوا از آن بهره نمی‌گیرد. عسدهای هستند که حتی در حرف هم شده به رهنمودهای امام استناد نمی‌کنند و از آن می‌گریزند. در حالی که راه حل واقعی دشواریهای کنونی درست در همین رهنمودها ارائه شده است.

تکتة اساسی که در رهنمودهای امام وجود دارد و رکن اصلی آنست، اینست که مردم انقلابی عمل کردند اما دولت‌های پس از انقلاب انقلابی عمل نکردند. دشواری از اینجا پدید آمد و بنابراین کلید حل مشکلات و رفع بحران دولتی به در اینست که یک دولت انقلابی و جوان بسرکار آید. دولتی که دستگاه طاغوت را بطور کامل درهم شکند. دستگاه انقلابی بوجود آورد، برنامه انقلابی ارائه دهد و آن را به شیوه انقلابی اجرا کند.

متاسفانه بسیاری از مقامات مسئول که دست‌اندر کار رفع بحران و گزینش نخست‌وزیر بدست همین روح رهنمودهای امام را به کناری می‌نهند. برخی از مطبوعات ضوابطی برای تعیین نخست‌وزیر آینده ارائه می‌دهند که در آن به انقلابی بودن اشاره‌ای هم نشده و اگرچه نام امام آمده، ذکری از مهمترین رهنمود او - انقلابی بودن - در میان نیست.

طبیعی است که با این شیوه هیچ بحرانی را نمی‌توان حل کرد و فقط از بحران به بحران دیگری می‌توان رفت. از چند روز پیش صحبت از آن‌است که هیئت مرکب از نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور، با هم درباره نخست‌وزیر آینده مذاکره کنند و به توافق برسند. این کوشش بجای خود سودمند است. چرا که در لحظه کنونی باید روی تقاهم انقلابی تأکید کرد و باید که همه نیروها را برای دفاع از انقلاب و بسپردن آن گرد آورد. بنابراین هر گونه تلاش برای یافتن راه‌های همکاری و تقاهم سودمند است ولی کافی نیست. دشواری کنونی وقتی از ریشه حل خواهد شد که بتوان روی یک دولت انقلابی توافق کرد.

به نظر ما سودمند بود که قبل از هر چیز روی ضوابط توافق شود، اصول اساسی برنامه دولت آینده تعیین شود و کسانی که آمده‌اند و قدرت آن را دارند که این برنامه را پیاده کنند برای نخست‌وزیری و مقامات دیگر دولتی انتخاب شوند.

فراوان کردن رهنمود امام درباره دولت آینده، فرار از اظهار نظر قطعی و صریح نسبت به اعمال ضدانقلابی دولت موقت و تردد کردن سرچ آن، راهی به سوی حل بحران نیست. خودکامی، فراوان کردن آزادی مردم، خودبینی و تصور اینکه همه کارها از دست فلان گروه سیاسی ساخته است و احتیاجی به اتفاق و اتحاد همه نیروها نیست، دردی را دوا نمی‌کند. در بطن این طرز تفکر های خودمحور، بحرانیهای شدیدتر از بحران کنونی خوابیده است.

بباید در این لحظه حساس، احساس مسئولیت کنیم. بباید همه حرف‌ها را به مردم بزنیم! و برنامه خود را صریح و روشن به مردم ارائه دهیم.

با بخش‌های دیگر نوشته‌های سیدحسین نواب صفوی پاسخ نمی‌گوییم و او را به پاسخ نامه "مردم"، به محمد جعفری "همکار" دیگر وی در روزنامه مزبور حواله می‌دهیم.



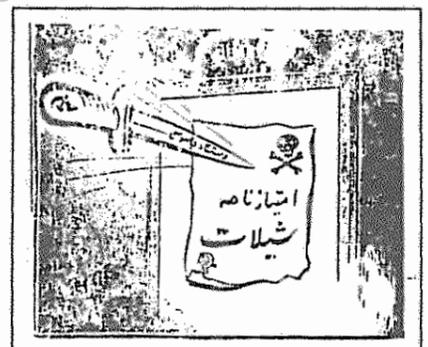


# تبلیغاتی امپریالیسم

شاه مخلوع و زاهدی مزدور "تقدیم" داشته است. در مورد جگونی بیدایش این "حزب" و نقش آن می نویسد:

... کمیسیون سیاسی جبهه ملی، فقط ترکیب آقایان حاجیری زاده، حسین قاطمی، حسین مکی، دکتر بقا، جلالی نائینی و اینها نبودند. این افراد بجز شهید قاطمی، از سرپرستگان امپریالیسم آمریکا بودند (تشکیل می شد که برای روشن شدن سیاست روز، غالباً جلساتی داشته و آقای میراشرفی هم در این جلسات دعوت و شرکت می نمودند... میهمانیهای باغ صبا، در منزل آقای میراشرفی شروع شد... و شب اول آقایان ویلز مستشار سفارت آمریکا و آقای دیشر، آتاشه مطبوعاتی سفارت، حضور پیدا کردند... قرار شد برای جلسه بعد آقای دکتر کرنی، آتاشه فرهنگی سفارت که به زبان فارسی آشنایی کامل دارند نیز دعوت شد و توضیحات بیشتری بوسیله مشارالیه برای مستشار آقایان ویلز و دیشر داده شود. شب بعد در منزل یکی باشد و به همین مناسبت جلسه در منزل آقای ویلز و حضور یافتند. خانم ویلز که فرانسه تقریباً زبان مادری ایشان باشد، گارترجمه دکتر کرنی را تسهیل نموده به زبان فرانسه، بسیاری از محاورات به عمل آمد و همچنین آقای دیشر هم چون اصلاً از زبان فرانسه آشنایی نداشتند، بیشتر مباحثات را تسهیل نمودند. آقای دیشر و آقای ویلز در این جلسه مطالب را بر سر سطر مطالب را بر سر سطر می دادند. البته به تدریج مذاکرات سیاسی بطور اعم بیان یافته از توضیح اهداف جبهه ملی، مورت مذاکره در اطراف مابلی سیاسی روز و است داخلی و خارجی و تفکرات جلسه شد. بنی مجلس شورای ملی تغییر یافته بود و چون آن هنگام، آقای دکتر بقا، سازمان جوانان ظرد را برانداخت با راه اداره می کردند، همان آن شرکتی که حزب قوی به نام زحماتگان کمک آقای خلیل ملکی تبریزی که از اعضای آل و مورخ حزب سابق بوده بود و علاوه بر او وان انشای بیون حزب مزبور را ترکت نموده و تا آن مبارزه می نمود، برای آقای دکتر مکی ایجاد شد و شروع به بی برتری کرده و شروع به فعالیت نموده و به این جهت در جلسات هی دیرتر حاضر می شدند ولی خودشان توضیح می دادند که فعالیت زیاد حزبی باعث تاخیر...

وستگ آنان را از میدان بدر کرد. بدینسان طبق اعتراف صریح یکی از موسسین جبهه ملی و از سرپرستگان امپریالیسم آمریکا، گروهک "حزب زحماتگان ملت ایران" با صلاحیت جاسوسان آمریکا بی، زیر نظر آنها و با پول آنها، بمنظور استفاده جاسوسان و "کش" و از میدان بدر کردن "دشمن"، یعنی حزب توده، ایران با "چاقو و جوب و سنگ"، تشکیل شده بود. طبق اعتراف دیگر نویسنده، مزدور، دکتر بقا، و حزبش، وظایف خود را با خودیسی انجام داده و در ایجاد "مبارزه های مسلحانه" در جنوب بیارستان و نقاط دیگر، در دوران حکومت دکتر مصدق، بسود امپریالیسم آمریکا و مقاصد آن، از هیچ کوششی دریغ نکردند. دکتر بقا، این جناحیتکا مزدور که در قتل سرلشکر افشار طوس، رئیس شهربانی دکتر مصدق و قتل سرگرد خانی، شرکت مستقیم داشت و برای اجرای توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه جنبش ملی ایران و بسیج گروه های او باطن و جفا قدا علیه نیروهای ملی و مترقی، فعالیت می کرد و از طریق روزنامه "خود شاهد" توطئه ها و طرح های امپریالیسم آمریکا را علیه حزب توده ایران، دکتر مصدق و جنبش فدا میریالیسم آمریکا ایران، به اجرا در می آورد، در موفقیت کودتای خانشانه، ۲۸ مرداد نقش مهمی ایفا کرد. وی و او با نشان مزدورشی به یادش "خدمات" خود به امپریالیسم آمریکا، در دوران ۲۵ ساله پس از ۲۸ مرداد، همچنان زیر نظر ساواک به فعالیت خود ادامه دادند. یکی از جناحیتکاران ساواک بنام امیرسنبل معروف به فروتن، در آذرماه ۵۸، در دادگاه انقلاب، در این مورد گفت: "حزب زحماتگان را ساواک تشکیل داده بود" مزدور ساواک که ساواک رهبر عملیات بخش امنیت داخلی ساواک تهران، ایده ورستو با زوجی کمیته مشترک ضد خرابکاری بود، در این مورد افزود:



"شاهد" - ۱۷-۱۳۳۰

مشافهانه دکتر مظفر بقا، کسی که جناحیت مزدورشی شاه مخلوع و امپریالیسم آمریکا و نقش در اجرای توطئه های امپریالیسم آمریکا در جبهه ملی و علیه جنبش ملی ایران، اظهارنظر می کند، می گوید: "سازمان بزرگ ایران، همچنان به فعالیت های مخرب خود علیه انقلاب ادامه می دهد و با کمک و دخالت دستچای مشکوک و نامعلومی از مجازات جنایات خودگرفته است. وی که "تجارب" زیادی در بسیج او باس و ایجاد گروه های جماعتی علیه نیروهای مترقی و انقلابی دارد، به انجام وظایف جدید خود در این جهت مشغول است و در سازماندهی گروه های موسوم به "حزب الهی"، در زیر لوای "اسلام"، برای حمله و هجوم به اجتماعات و دفاتر گروه های سیاسی، فعالیت می کند. "حزب" جناحیتکار و "سیا" ساخته وی همچنان آزادانه فعالیت می کند و وی در خیابان ژاله سابق، چهارراه آبسردار، (محل "حزب زحماتگان")، به استخدام مزدوران برای انجام توطئه و خرابکاری علیه انقلاب، مشغول است. تعلق و تاسخ مقامات جمهوری اسلامی ایران در توجه به فعالیت های توطئه گرانه این جناحیتکار که به هیچ وجه از میراشرفی معذور در ارائه خدمات به امپریالیسم آمریکا نیست، کمی ندارد. مورد تعجب و تاسف جدی نیروهای انقلابی، مترقی و متعهد است.

ب. نقش "شاهد" در توطئه و تحریک علیه جنبش ملی ایران.

چنانچه گفته شد، دکتر مظفر بقا، کرمانی، سرپرده امپریالیسم آمریکا، از همان ابتدا بقصد خرابکاری در جنبش ملی ایران و منصرف ساختن آن در جهت اهداف امپریالیسم آمریکا، به جبهه ملی وارد شده و تمامی فعالیت های خود را نیز در این جهت سازمان داده بود. بررسی محتویات روزنامه "شاهد"، ارگان "حزب زحماتگان"، برای درک مکانیسم توطئه های امپریالیسم آمریکا، بسی اهمیت دارد. میزان اهمیت این بررسی زمانی برجسته تر می شود که بدانیم اولاً این روزنامه نقش مهمی در خرابکاری علیه جنبش ملی ایران و با نتیجه در سیروقایعی که به کودتای خانشانه ۲۸ مرداد

«شاهد»: علیه کمونیستها متحد شویم و امپریالیسم را نجات دهیم!

اسلام و کمونیسم  
اسنادی در باره دشمنی کمونیسم با اسلام  
در شوری هر کس روز به بگردن به پنج سال  
حس محکوم خواهد شد

جاسوسان آمریکایی، چنانچه ملاحظه میشود به این رهنمود "گوبلز"، رئیس تبلیغات فاشیسم جنتری در مورد اینکه دروغ هر چه بزرگتر باشد، تأثیر بیشتری دارد، کاملاً وفادار بوده اند. آنها علاوه بر آن با بنی اتهامات سران کلب به کمونیستها و اتحاد شوروی در مورد دشمنی آنها با روحانیت و "مذهب"، میکوشیدند تا روحانیت را علیه کمونیستها، اصل و راستین تحریک کنند و به ترویج آنها مانع اتحاد بین امپریالیستی مردم شوند. امروز نیز این دروغها، این اتهامات و این گوشه ها، با جدیت کامل، از روی آگاهی و بنا نا آگاهی، بود امپریالیسم آمریکا، صورت می گیرد. «شاهد» های امروز نیز میکوشند تا این نیروهای مسلمانه و کمونیستی اصل روح بدبینی و ممانعه برانگیزند و دشمن اصلی هر دو یعنی امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند و به آن امکان دهند که هر دو را درهم بکوبد.

نقل از: «شاهد»، ۱۷ خرداد - ۱۳۳۲

شعر کردند، ایفا نموده است. ناسا "شاهد" به رهنمود سران خود، آن سیاست را که امپریالیسم آمریکا در ایران تقبیل می نمود و آن سلطنتی را که علیه جنبش ملی ایران، بکار می برد، از میان برداشته و با سیاست تکتیک "کلیتاً" و اهداف امپریالیسم آمریکا در دوران کمونیسم و در دوران جنبش ملی ایران، به گروه های مادی و ملی ساواک می که کورکورانه در جهت همین اهداف، اندیشه و عمل می کنند، هدایت می دهد و ما هیئت سروهای را که زیر لوای "اسلام" یا "انقلابی" کزی، اهداف "شاهد" یعنی امپریالیسم آمریکا را تعقیب می کنند، آسکاری سازد.

"شاهد"، مدعی پیروی از "اسلام"، "سوسیالیسم" و "سیاست نه صرفی نه غربی"!

این روزنامه که مابول عمال امپریالیسم آمریکا، زیر نظر آنها و به مدیریت جنابیکار مزدوری چون بقا، اداره می کند، مدعی پیروی از "اسلام" و "سوسیالیسم" نیز بود. سالی آرم "شاهد"، آتشی از آتش نقش بسته بود و این روزنامه از "اسلام" و "سوسیالیسم"، متحد مروان می کرد. امری که اکنون برای ما زان مادی و آگاه مسلمان، تکفنی جنابیی برمی آید. آن "اسلام" و این "سوسیالیسم" را ما بکرات دیده ایم. "اسلام" سادات ها،

«شاهد» و «نه شرقی، نه غربی»!

یعنی "سوسیالیسم" آمریکایی، که با تمام قوا به توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران متغولند.

"شاهد"، یعنی روزنامه، جاسوسان آمریکایی در ایران، مدافع سیاست "نه شرقی، نه غربی" می بود! در مضمون، نعت خود را حروف درشت می نوشت:

"شاهد"، ۲۸ آبان ۱۳۳۱  
اما او نیز همچون بسیاری از مدعیان کمونیست "نه شرقی، نه غربی" "سوسیالیسم" خود را از این سیاست داشت. در واقع می گویند سطرده، امپریالیسم مزدور امپریالیسم آمریکا را در حیات کورما، تکمیل و تقویت کند و با همرازی قرارداد این اتحاد شوروی و امپریالیسم آمریکا هر کدام در صورتی (واکنش) باید تکمیل مسئولان جمهوری اسلامی ایران را که بدوی کسب سرب راوی بر حقوق با اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی، بر داشته می شد (و می شود) امری که بدو سانس استقلال کورما بود و هیئت "کراس" سرب، "اسناد در آغوش سرب" و اسود کسب و دستپان حین سدا میرا، لسانی ایران را مستردناحد و حقد کند. "شاهد" ها در زمان در اس ما مورت خود موقی شدند، ولی اکنون...

"شاهد" در واقع برای این نیت "سوسیالیسم" و "اسلام" بر خیزد زده بود که سواد های مسلمان مردم را که حادثه های وادی اساسی سوسیالیسم و سرب و ارتجاع سرمایه داری، آنها را به عرصه مبارزه کساده بود، سرب دند و در واقع زسولای "اسلام" و "سوسیالیسم" اسلام انقلابی و سوسیالیسم واقعی را آلوده سازد و بکوبد. "شاهد" آمریکایی، سوسیالیسم واقعی بود.

«شاهد» و سیاست

«دروغ های بزرگ» علیه سوسیالیسم

"شاهد"، سلف ما نوشتن های اسرائیلی!

سخن مهمی از مطالب "شاهد"، احتیاج به "وصف" سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دارد. چگونه "شاهد"، ساره سرب "دروغ های بزرگی" را که امپریالیسم ها علیه سوسیالیسم ابداع کرده بودند، سلف آب و باد در مضمون، نعت خود نقل می کرد.

خواننده، نا آگاه "شاهد"، سوسیالیسم را جهیم دستسازگی می یافت که در آن حیات و کاران حاکمان، مردم در فقر و سحرارگی و کسافات عوطه می خورد، همگی به تمام علیه آن برخاسته اند، دست دسد از "برده های" می گریزند و به "چنان آزاد" روی می آورند و آشنایی که باقی هستند، حتی آرزوی باز- کسب رژیم نزاری را دارند. "شاهد" به مردم می گفت که سوسیالیسم، حتی برتر از سرمایه داری است چرا که دستسازگی سرمایه داری را در خود دارد (البته در مورد قحط سرمایه داری "شاهد" سخنی نمی گفت. مردم خود آبرایشان می دانستند)، بلکه حتی از "آزادی" که در کشورهای سرمایه داری موجود است نیز در آن خری نیست!

جاسوسان آمریکایی از طریق "شاهد" می گویند تا با لحن مال کردن سوسیالیسم از طریق "دروغ های بزرگ"، مردم را از مبارزه برای سواد سطرده، امپریالیسم، مابوس کنند و با زدن آنها را به آنچه که گه گه است (که امپریالیسم می گویند و سواد سطرده) می گویند تا در مقابل مبارزه مردم، دور رسد و سربا امید کند و محوف قرار دهند و سرب مبارزه را در آن و رهبران آنها فرو سوزانند. "شاهد"، جامعه شوروی را چنین تصویر می کرد:

این انسان های مصنوعی و حیات سینه،

«شاهد» و «نه شرقی، نه غربی»!  
ملت ایران بدوشیزیک از روز تیرری غرب و شرق،  
کند و کا و روزنامه ما  
شکلی نیست و راه ملت را با تزیینات کشور -  
های دیگر تمیز نمی کنند - هم کن است و در دست قدرت از این پس حالت دفاعی  
ایران بصورت حمله در آید تلاش مذبح و تا کشیک جدید کمینفر میستهای  
یونان نمیتواند مانع شکست جهانی آنها گردد - تبلیغات انگلیس در جهان محکوم بشکست شده است

«شاهد» نیز مدعی پیروی از سیاست «نه شرقی، نه غربی» به سبک کذائی بود، اما در عمل برای تحکیم پیوندهای وابستگی و اسارت ایران به امپریالیسم میکوشید: آیا عملکرد بسیاری از مدهیان امروز سیاست نه شرقی، نه غربی، «شاهد» را به ذهن خطور نمی دهند؟! «شاهد»، ۲۸ آبان ۱۳۳۱

که با بهای رژیم کمونیستی شوروی به آن نکیه دارد، بیش از ۲۰۰ میلیون سواد سطرده - به این عده باید چند میلیون محکوم سواد سطرده - سواد و انگلیسی دیگر اجتماع اضافه نمود، ولی اکثریت با تاقی افراد جامعه شوروی را بدبختی تشکیل می دهند که تب و روز در وقت سواد زندگانی می کنند!

"شاهد"، شماره ۷۸۸، ۲۸ آبان ۱۳۳۱  
"در روسیه شوروی، آزادی از زندگی روزانه و حتی از عمارت روح مردم، رخت برشته است و در خاطره، انسان شوروی هم دیگر وجود ندارد. (همانجا)!"  
همه روزه جمع کنی از مردم آزادی طلب کشورهای بست برده آهنین، با مواجهه سفته در صفحه ۶

فابوس ها، ضیا الحق ها و مدام حسین ها، "اسلام" مبارزان افغانی، "خلق مسلمان" ها "حزب ایران" ها و "اسلام" امپریالیسم - سواد علوی ها، "اسلام" آمریکایی که هنوز نیز سیروان آن زیادند و به فریب توده های مردم متغولند.  
سیروان "سوسیالیسم" "شاهد" نیز اندک نیستند، سیروان "سوسیالیسم" بخنارها، کلدما سارها، کراسکی ها و با همه ها، "سوسیالیسم" حزب ایران ها، کوله ها و دیگر ما نوشتن ها،

# و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

# کارزار ایدئولوژیک

سبزه زعفران ۵

شدن با انواع خطرها، به جهان آزاد بناهنده می شوند و عطا ی بهشتیان کمونیسم را به لقایان می بخشند!

«شاهد»، ۲۲ بهمن (۱۳۳۱)  
«درداخل شوروی نیز نهضتی علیه کمونیسم شروع به فعالیت نموده است. مخالفین کمونیسم، از روی حرفی که از روزنامه بریده شده بود، به خط درشت بر روی دیوار ایستگاه نوشته بودند: "اشغالگران کمونیست، از کشور ما دور شوید". پلیس مخفی شوروی چند نفر را به اتهام توطئه علیه دولت دستگیر کرده است، ولی جمله فوق در اغلب دیوارها دیده می شود!» (همانجا)

«کمونیسم جز فقر و بدبختی و نابودی بشر ارمنان دیگری بهرمان ندارد!»  
(۱۵ فروردین ۱۳۳۲)

«درو شوروی هرکس روزه بگیرد، به ۵ سال حبس محکوم خواهد شد.»  
(۱۷ خرداد ۱۳۳۲)

«اعتصاب و تظاهرات کارگران چکسلواکی، تظاهرات و قیام مردم آلمان شرقی...»  
(۱ تیر ۱۳۳۲)

«شاهد» در مقامیسه سیاست دولت تزاری با دولت شوروی در مورد خلقها می نوشت: «دولت مرکزی شوروی بیش از پیش خاطران می سازد که همگی به زبان روسی تکلم نمی آید. همچنین رویه دولت شوروی نسبت به مذهب اقلیتها با تغییرشده، خیلی نامساعدتر شده است و خلاصه کلیه امیال و آرزوهای اقلیتها که با دارای استقلال کامل شده و با آنکه در مقابل فشارهای خارجی استقامت نمائند. همه خاموش و خمود شده است!»  
(۱۵ فروردین ۱۳۳۲)

«شاهد» همچنین مستگرو ممدع برخی نظریات و اصطلاحات ما شوینسی، البته بین اربابان ما شوینسی بود!

برای سی بردن به اهمیت امپریالیسم سرخ، با بدو جنبه مورد بحث موضوع را مورد بررسی و پژوهش قرار داد... کاخ نشینان کرملین

جهت دل آزیب که با در داخل کاخ مربروریکدارند وجه مدنی بهمان و با راهای اوقات، سابقه مفتضیا زمانی و مکانی، دولت تزاری را یک دولت استعماری می دانستند... ولی این باید بدون شاکه نبوده و نیست. سیاست روز و مقتضیات زمانی و مکانی، با این تالیف و بشوینکیها، شدت و ضعف داده و می دهد. این شدت و ضعف، ما را در راهای بی بردن به ماهیت امپریالیسم سرخ، کمک فراوان می نماید!»  
(شاهد، ۵ مرداد ۱۳۳۲)

«بیرواض است که دولت روسیه (اعمال تزاری و شوروی) فقط از طریق استعمار نمودن دیگران بوده که توانست سرحدات خود را با این سرعت سرسام آورده توسعه دهد!»  
(همانجا)

«گستاخدستجعی مردم آذربایجان (!)، به کلوله بستن کارگران برلین شرقی (!)، همه اینها از نظر امپریالیسم شوروی، احترام بسه حاکمیت ملل "است"!»  
(۲۱ مرداد ۱۳۳۲)

آری، «شاهد» در واقع منبع الهام بسیاری از «شورویها» و «نظریات» امروزی است. با در واقع منبع هر دو تا، یکی است: «سیاسی» گردانندگان «شاهد» در واقع اسلاف «انقلابی» ما شوینسیهای کنونی و بسویا کوری از مذا فیعی سیاست «شوروی»، نه غریبی کنونی اند که سه گونه ای بیکدیگر و تحت لوای انقلابی نمائند، سیاستهای امپریالیسم آمریکا را علیه انقلاب کشور ما به پیش می برند. سیاست دروغ های بزرگ علیه سوسیالیسم، هم اکنون نیز از پایه های تبلیغات امپریالیستی علیه جنبش انقلابی ایران است، سیاستی که هدف آن تیره کردن جنبات امپریالیسم سرگردگی امپریالیسم آمریکا و حفظ و تحکیم سطره امپریالیستی بر حیات کشور ما است.

## «شاهد» و «خطر شوروی»

یکی دیگر از مضامین عمده تبلیغات «شاهد»، ترویج بیکپیکاری «خطر شوروی» است. جاسوسان آمریکایی که خط مشی سیاسی «شاهد» را تعیین می کردند، به نظر این ایده، اهمیت بسیار می نهادند، چرا که در واقع بدین وسیله، خطر توطئه های امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا را بنیان می ساختند، نظام را از خطرناکی و واقعیتهای منصرف می کردند و به جانب «خطر» شوروی که در واقع پشتیبان بیکپیکاری جنبش ملی ایران بود (و هست)، متوجه می ساختند. «شاهد» و دیگر نشریات فدا انقلابی و وابسته با تمام قوا تبلیغ می کردند که «شوروی قصد تسلیم ایران را دارد»، «شوروی در صد سرتگون ساختن حکومت دکترومدق است»، «شوروی در صد لنگرکشی به ایران است»، «ارتش های شوروی در مرزهای ایران متمرکز شده اند»... آن ها این تبلیغات خود را به موازات رشد جنبش ملی ایران و افزایش خطر نسبت به متافع غارتگران امپریالیست ها، گستاخش می دادند، با این هدف که در جنبش ملی و استقلال طلبانه ایران، تزلزل ایجاد کرده و آنرا در چارچوب حفظ منافع امپریالیسم، نگاه دارند. این گوشه به عینه هم اکنون نیز با تمام قوا توسط عمال مزدور امپریالیسم آمریکا و «شاهد» های امروزی، بیکپیکری می شود. هم اکنون نیز همچون امروز، عمال امپریالیسم آمریکا می کشند تا از طریق اشاعه دروغ های بزرگ علیه ارتش شوروی و در مورد «خطر شوروی»، انتظار را از خطرناکی یعنی توطئه های کشنده امپریالیسم آمریکا برای سرتگون کردن جمهوری اسلامی ایران و بنا بود کردن دست آوردهای انقلاب بزرگ ایران، منحرف سازند و تبلیغ کنند که «برای حفاظت خویش از خطر شوروی، به آمریکا نکیه کنید!»  
«شاهد»، در صفحه نخست خود، با حشروف درشت می نوشت:

## دهقانان مینویسند:

دهقانان روسای فرامان، واقع در استان کرمانشاه، شکوایتهای به دفتر امام خمینی، ارسال داشته اند که رونوشت آن به دفتر نامه مردم ارسال شده است. متن نامه چنین است:

«دقت امام خمینی، احتراماً ما اهالی بی زمین و کم زمین روسای فرامان بخش در فرامان حومه کرمانشاه به استحضار می رساند که مالکین فراری این روستا، از اقوام ستانور علاوه وحیدی (معدوم بوسیله دادگاه انقلاب تهران) هستند در حال حاضر زمینها را اختیار ماسر آنها شریف رضائی است که با بهره از زمان طاغوت به دلیل خوش خدمتی به طاغوت مدال رستخیز گرفته. در حالی که ما اصناف گندنگان در فقر و بیچارگی بسر می بریم. ماسر مزبور علاوه بر این ۲۵ هکتار زمین خودش که آنرا با یک گداشته و ۱۰۰ هکتار زمین مرغوب روستا را اختیار دارد و با توجه به دهها بار نکایت و نشتن و مراجعه به دادگاه انقلاب اسلامی به دلیل همدستی رئیس باسگاه محل به نام استوار عبدالله باردل با شریف رضائی مبارک مالک با فرستادن گزارش غلط به دادگاه انقلاب و تهدید روستائیان از تقسیم زمینهای مالکان فراری بین مابقی زمینها و کم زمینها جلوگیری می کند، لذا اکنون که به برکت جمهوری اسلامی به رهبری فائده اعظم امام خمینی و تلاشهای استاد رضاضافعی مبارک نسوه قانون اصلاحات ارضی تصویب شده، فاطماه جوانان اجرای قانون مربرور و تقسیم اراضی در روستای خود و گویاه کردی دست ماسر این ده شریف رضائی جلوگیری از کاربندیهای رئیس باسگاه می یابد، ما قادر باسه دستاورد حیثیوری اسلامی و آبادی ایران عزیز گویا باسه.»

دور بر نامه حد ابنا و ابرانکت بدجم می خورد. قابل ذکر است که دهقانان این روستا هم جنبش شکوایتهای هم به دادگاه انقلاب اسان کرمانشاه عرضه دادند.

با به اجراء کداسن قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، بدنگ آتین نامه اجرائی تصویب آن به دفع دهقانان بی بی دست باید هر چه سریع تر وارد عمل شد و این روستا را از وجود مالکان جبار پاک کرد.

«جاسوسان شوروی بی دربی به نام بناهنده، به ایران وارد می شوند»  
(شاهد، ۵ آبان ۱۳۳۱)

و در توضیح خبر می افزود: «در اوقات اخیر، چندین نفر از جاسوسان مربرور شوروی، به نام بناهنده، به نقاط مرمری ایران وارد شده اند و قصد دارند با وسیله یکدیگر اختیار را آنان گداشته شده است. زمینه اختلا لات و اقدامات خلاف نظامی را فراهم کنند که نفع آن متوجه حزب منحل شده و مقامات شوروی است»  
«شاهد»، تحت عنوان «با بیان کارایران»، می نوشت:

«یک روز صبح که مردم ایران، مثل معمول از خواب بومی بیدار شدند، می بینند شهرها، حالت غیر عادی به خود گرفته است. سربازان روسی را مسلح به تفنگها و مسلسل در کوچه ها و بازارها و جبهه راه ها و نقاط پر جمعیت خواهنند دیدند، تا نگاه و زره پوش های زیادی در نقاط حساس دیده خواهند شد... رفیق داداشان! و رفیق غلامبیک و این قبیل خدانشناسها، مقدرات من و شما را به دست خواهند گرفت. بدون ترس و وا همه در مساجد را به تندی خواهند خراب کرد، بلکه گنبدها و مناره ها و کاشیکای آنها را خراب خواهند کرد... ریش و فیجی دست شوروی است... جوان های را که در دهات و شهرها، با بنیه سالم و قوی دارند، جمع کرده و برای گرفتن تعطیلات نظامی و تشکیل واحدهای ارتش سرخ به نقاط دور خواهند فرستاد... جاده های بین شهرها را اسفالت می شود، اما نه برای این که مردم از آن استفاده کنند، برای آن که محمول نقلیات مختلف بهتزرجا بیا شده و زود تر به مسکو برسد... هر ساله در جایای کمونیست قفقازی و ارمنی و آسوری و روسی به ایران می فرستند تا با دخترهای ایرانی آمیزش و تولید نسل کنند و نژاد جدیدی بسازند. تمام مساجد خراب کرده و در عوض آن بناهای بزرگ، بناهای ستاره جواسان کمونیست خواهد ساخت. هر کس به دفاع از مذهب برخیزد، پلیس مخفی که کما ملاً مسلط به اوضاع خواهد فرستاد، جان و مال و ناموس مردم را در اختیار پلیس مخفی شوروی خواهد بود!»  
(شاهد، ۱۶ خرداد ۱۳۳۲)

مضمون فوق، یکی از پایه های تبلیغات «شاهد» بود، که هر قدر جنبش ملی ایران پیشتر تعمیق می کردید و هر قدر منافع امپریالیسم در خطر قزوتی قرار می گرفت، هر قدر توطئه های سازمان یافته جاسوسان سادریونی دربار برای سرتگون ساختن دولت ملی دکترومدق، گسترده تر می شد، در صفحات «شاهد» نیز بر چسبکی و حدت فزونی می یافت امپریالیسم آمریکا، تمام قوا ی خود را برای سرتگونی دولت دکترومدق مصدق بسیج کرده و تمام راهها را در دست گرفتند. جاسوسان آمریکا با «شاهد» قریب به بی بی بی «شاهد» ایران به دهان غول شوروی می رود و با خلق بزرگترین دروغها، آذهان مردم و رهبران را می آشفند.

درک این تاکتیک خطرناک امپریالیسم آمریکا و عمال آن از جانب نیروهای صادق ضد امپریالیسم، در شرایطی که جنبش انقلابی، ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه در کشور ما برپا شد، دیگر در وضعیت قرار گرفته که منافع امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا را در خطر جدی تا بودی قرار داده است و به همین دلیل تمام قوا ی اهریمنی جهان به راه علیه خود متوجه ساخته است، اهمیت بسیار دارد، زیرا اکنون نیز همین کار را در تبلیغات، درست درجهت تا مین همان مقاصد که «شاهد» در آن زمان تعقیب می کرد، علیه جنبش انقلابی ایران، به اجرا درمی آید.

# ساکنین گود خزانه:

# از دولت انقلاب میخواهیم به وضع ما رسیدگی کند...

وجود حلی آبادها که از مظاهر «تمدن» آریاموری و «اصلاحات» شاهانه هستند در گوشه و کنار شهرها و از جمله تهران بیانگر سالها ستمی است که بر کرده محرومترین طبقه جامعه ما یعنی کارگران و دهقانان سنگینی کرده است.

یکی از این حلی آبادها در قسمت غربی میدان سوم خزانه بخارا ای است. محله ای بنام گود خزانه (گورده حسین نقی) با ۹۰ خانوار و جمعیتی در حدود ۷۰۰ نفر. اکثر دیوارهای کاشیکلی از فرط سرما و گرما دهان باز کرده و صدای شجه دردناک انسانهایی را که در خود جای داده اند، منعکس می کند. خانه ها اکثر آنها همان کوره ها هستند که بعد از ساختمان بیمارستان خزانه تعطیل شده اند. بخشی از آنها با حلی و زرقه های آخی پوشیده شده است، بسیاری از آنها آب ندارند و از برق نیز محرومند.

در اولین برخورد، کودکان انبوهی لغت و برهنه با چهره های زرد و شکم برآمده و باهای لاغر در گوشه های محله جلب نظر می کنند. آنها برای رعایی از گرمای سوزان در گدایی به شنا مشغولند. وقتی سراز آب (۱) در در می آورند از شانه های سرخه و سرهای توجک خویش با نامهای موجود در گنداب را بر می دارند و با نفرت به گوشه های برتاب می کنند. با یکی از آنها به گفتگو می نشینیم. خود را «مقتضی باقری» معرفی می کند. در تلاش بنج ابتدایی تحصیل میکند. با وجود کم تضاد طبقاتی را با تمام وجود دل می کند می گوید: «عده ای در استخرهای بزرگ شنا می کنند و ما در این گدایی... موسی جلیل وند در این گدایی»

بای صحبت شیخ علی اصلان که کارگر شیرداری است می نشینیم. او می گوید: «یک سال و نیم است به این محله آمده ام. دولت باید وام در اختیار ما بگذارد که بتوانیم اینجا خانه های بسازیم و ایالات این محل را اسفالت کنیم... زندگی در زمستان در این محله بسیار دشوار می شود، گل ولای، چکه آب از سقفها و ورود آب به خانه ها زندگی را غیر قابل تحمل می کنند». او اضافه کرد: «بعد از انقلاب به کمک به خانواده ام بکشیم...»

کارگری با نام نوراله جلیوند دیگر از زحمت کشانی است که در این محله زندگی می کند. او می گوید: «کارگر شیرداری هستم و ۱۰ سال سابقه کار دارم... در زمان طاغوت قبل از انقلاب اقدام به ساختن این خانه کرده و بارها رژیم طاغوت خانام را خراب کرد... این خانه آب هم ندارد زیرا از جمع بقیه خانه ها دور افتاده و استطاعت آنرا هم نداشته که لوله کشی کنیم. او نیز مانند سایر مردم محله ای هایش خواهان آنست که دولت انقلاب وام در اختیارش بگذارد تا بتواند از شیرخوله نشینی رعایی یابد. آنها همچنین می گویند که اگر دولت زمین کشاورزی و سرمایه در اختیار آنها بگذارد حاضرند به روستاهای خودشان باز گردند و از «در بدری» و «وی خانامی» نجات یابند.

## شوخی نیست...!

آدم زبان نفهم!  
بحینارملوک خائن بعد از مرگ شاه مخلوع گفته است: "اگر شاه مرا ۵ یا ۶ ماه زودتر سرگرمی آورد، خمینی هنوز در نوفل لوشاتو باقی مانده بود..." (کیهان ۷ مرداد)  
— برزیسکی به کارتر: قربان این بخنبار هم آدم زبون نفهمه! شنی داند که ماهه مخلوع را ۲۵ سال زودتر از آن سرگرم آورده بودیم، باهم فایده ای نداشت!

اعتراض  
روزنامه کیهان در ۶ مرداد خیرداد که در تصرف ساد حزب توده، ایران در تصرف عکس شاه مخلوع بردیوار نصب شده بود!!  
اگر این مطلب را درست بدانیم و اگر این مسئله را هم در نظر بگیریم که حزب توده ایران بزرگترین دشمن رژیم شاه مخلوع بود، آتوت... شنیجه می گویم که سر می رود (دهرز)

شماره کودکان ۱۲۲۹ ۱۳۲۹ ۱۳۳۹ ۱۳۴۹ ۶۰۵  
تا سه ساله ای ۱۳  
کودک ۱۲  
کودک ۲۰۵  
شماره کودکان که ۲۵ ۴۶۱ ۶۲۵ ۹۰۰  
به کودکان (دهرز)

محبوبیت زیاد!  
رادیوکلن، یعنی صدای امپریالیستهای آلمان غربی در تفریحی درباره اوضاع ایران گفته است: "گزارشهایی که از تهران بدست می رسند ناخوشایند است. پس از کشف باصطلاح گودا در ایران ناگهان گروه زیادی اعدام شده اند... سخنان آیت الله خمینی... به مجلس نیز امکان می دهد که به همین ترتیب دولت و بیوز قطب زاده وزیر خارجه کنونی ایران را مورد استناد قرار دهند" (اطلاعات ۵ مرداد)  
— آقای قطب زاده روز به روز محبوبتر می شوند، منتهی...

محض اطلاع  
یکی از مسئولین سپاه پاسداران ایلام در گفتگویی با خبرنگار کیهان گفته است "عراق با حمایت فرانسه و انگلیس و آمریکا جاهای فراوان وجدیدی به سرعت حفر می کند و نفت سفید زیرزمینی ما را استخراج می کند و حدوداً روزی یک میلیون بشکه نفت ما را غارت می کند..." (کیهان ۷ مرداد)  
— محض اطلاع وزارت نفت و وزارت خارجه عرض شد!

محض اطلاع  
شماره آموزش دیدگان  
شماره کودکان ۱۲۲۹ ۱۳۲۹ ۱۳۳۹ ۱۳۴۹ ۶۰۵  
تا سه ساله ای ۱۳  
کودک ۱۲  
کودک ۲۰۵  
شماره کودکان که ۲۵ ۴۶۱ ۶۲۵ ۹۰۰  
به کودکان (دهرز)

شماره کودکان ۱۲۲۹ ۱۳۲۹ ۱۳۳۹ ۱۳۴۹ ۶۰۵  
تا سه ساله ای ۱۳  
کودک ۱۲  
کودک ۲۰۵  
شماره کودکان که ۲۵ ۴۶۱ ۶۲۵ ۹۰۰  
به کودکان (دهرز)

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

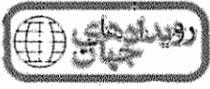
برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

### قطعنامه سازمان ملل متحد درباره فلسطین جواب دندان شکنی است به تجاوزگران اسرائیلی و پشتیبانان آنها

جمع عمومی سازمان ملل متحد در جلسه‌ای ویژه، که به درخواست گروهی بزرگ از کشورهای غیرمتعهده و سوسیالیستی تشکیل شد، به بررسی مسئله فلسطین پرداخت. در آستانه برگزاری این جلسه، دولت اسرائیل، اقدام به سیاست خود، مبنی بر تجاوز به حقوق خلق فلسطین، لایحه‌ای از تصویب پارلمان گذرانده بود، که بموجب آن بخش فوری بیت المقدس به آن کشور الحاق می‌یابد و بیت المقدس بعنوان پایتخت "قانونی" اسرائیل اعلام می‌گردد. بنابراین روشن است، که برگزاری جلسه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل، با مخالفت دولت صهیونیستی بگین و هواداران آمریکایی آن روبرو شد.

اما، همانطور که مردم مترقی، آزادخواه و صلح دوست جهان امیدوار بودند و می‌بایست آمریکا و شرکای اسرائیلی آن بیم آنرا نداشتند، سازمان ملل متحد با ردیکریا تصویب قطعنامه اخیر خود، این واقعیت را تصریح کرد، که با بهره‌رشدن از دروازه‌ها حل عادلانه مسئله فلسطین کوشش ورزید، چه هرگونه سامحای در این امر امکان انفجار جنگ - فرورانه‌ای را در منطقه افزایش می‌بخشد و گرانی هرچه ژرف تر جانان را بر می‌نماید قطعنامه فلسطین، بدرستی تا کید می‌کند، به حل همه‌جانبه مسئله فلسطین، بسودن برکت مستقیم فلسطینی‌ها، به نمایندگی سازمان حقوق سازمان آزادی بخش فلسطین، میسر نخواهد بود. این موضع سازمان ملل متحد، جواب دندان شکنی است، به امپریالیسم آمریکا، که می‌کوشد تا به بیاری آشنیاتی چون سادات و دیگر زمامداران مرتجع رب و در چارچوب دسیسه "کمب دیوید" به خیال و مسئله فلسطین را در غیاب و بر غم فلسطینی‌ها حل کند و در واقع به تحکیم سنگرهای ارتجاعی تجاوزگران و خویش در خاور میانه بپردازد. قطعنامه سازمان ملل متحد درباره فلسطین برای موافق حدود ۱۱۰ کشور جهان و علی‌رغم مخالفت آمریکا، اسرائیل و پنج کشوردیگرو ای مبتنع کشورهای امپریالیستی اروپای

غربی عضو "بازار مشترک" به تصویب رسید. کشورهای سوسیالیستی، مانند هسپانیه، از مبتکران پیش نویس قطعنامه و بیگترین مدافعان حقوق فلسطینی‌ها بودند. قطعنامه سازمان ملل متحد، اسرائیل و متحدان آنرا فرامی‌خواند تا همه حقوق حقه فلسطینی‌ها، از جمله حق بازگشت به سرزمینهای اشغالی، تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسند. اکثریت تام اعضای سازمان ملل متحد به اسرائیل اخطار کردند، که حداکثر تا ۱۵ نوامبر سال جاری به فراخوانی نیروهای خود از سرزمین‌های اشغالی عرب بپایان نرساند. آمریکا و اسرائیل نه تنها، هرچه بیشتر کوشیدند، تا از برگزاری جلسه ویژه مجمع عمومی مناعت به عمل آورند و برای مخالفت خود در برابر اکثریت عظیم نمایندگان دیگر کشورهای جهان قرار گرفتند، بلکه پس از تصویب قطعنامه نیز اعلام داشتند که خود را به اجرای مفاد آن موظف نمی‌بینند. فاروق قدومی، عضو کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین، در تفسیری پیرامون موضع ایالات متحده آمریکا، گفت: "بدین ترتیب، دولت آمریکا در زمینه مسئله فلسطین، زیر بار فشار صهیونیست‌ها رفت و از آخرین مرزهای کار بر سر تسلیم در برابر تهدید نیز فراتر گذاشت." سیاستمداران واشنگتن بارها گستاخانه دست به عوامفریبی و سوای زده و با ملاحظه "همدردی با فلسطینی‌ها برداختند" و "دلسوزی خود را برای آوارگان فلسطین" ابراز داشته‌اند، اما چنانچه بویژه انقلابیون ایران، که اینگونه "دلسوزی"ها را هر روز و هر لحظه درسیسه‌ها، خرابکاری‌ها و کودتا سازی‌های امپریالیسم آمریکا و ایادی خویشوارش، با پوست و خون خود احساس می‌کنند، بخوبی می‌دانند، که سیاست آمریکا، چه در ایران، چه در فلسطین وجه در هر نقطه دیگر جهان، به خلاف ادعای مدافع خود خوانده "حقوق بشر"، سیاستی است متکی بر اهری، بقانونی، تجاوز، استثمار و رعب و ترس و زور و بی‌رحمی بدین‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق انسانها



### کمک ما ثوابت‌های چین به فدا انقلابیون کا مپوچیا

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یکی از سرکردگان فدا انقلابیون کا مپوچیا، به نام سون سان، اینک در یک سرمیبرد، تلویزیون فرانسه دقیق متوالی از برنامه خود را در اختیار یکی از سخنگویان فدا انقلابیون قرار داد که گفت سون سان ضمن امانت خود در آن کشور، با رهبران و شخصیت‌های چینی ملاقات و گفتگو خواهد کرد. اینهم بخشی از نقشه‌های مشترک آمریکا و چین است که با توافق‌های سیاسی و نظامی علیه خلق‌های منطقه و ملج جهانی توطئه چین می‌کنند.

### پراودا: تجاوزگران علیه ایران چگونه می‌توانند مدافع حقوق بشر باشند

"پراودا"، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، می‌نویسد: "برزیدنت کارتر از پنجمین سالگرد برگزاری "کنفرانس هلسنکی" درباره امنیت و همکاری اروپا برای حملات خوسنت بار علیه اتحاد شوروی استفاده جست." به گزارش "پراودا"، کارتر در سخنان خود در کاخ سفید، کوشید تا خویش را مدافع "حقوق بشر" بزند و در این زمینه به دیگران درس بدهد. پراودا می‌نویسد: "موضع آقای کارتر در بهترین حالت شگفت‌انگیز است. بویژه هنگامی که سرکوب آخرین تظاهرات ضد نژادپرستی در میامی، سیاست کشتار گرانه واشنگتن در قبال آمریکا‌یی‌های سرخپوست و تجاوز راهزانه فرماندهان آمریکا‌یی را علیه ایران به یاد بیاوریم"

### رهبر یمن جنوبی: حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس امنیت است

به خطر می‌اندازد علی ناصر محید، رهبر جمهوری یمن، می‌گوید که حضور ناوگان آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، امنیت، ثبات و استقلال کشورهای منطقه را به خطر می‌اندازد. او در مصاحبه‌ای با مجله الجزایری "الجیش" افزود: "امپریالیسم بین‌المللی، با دست‌یازی به تبلیغات عوام‌فریبانه می‌کوشد تا کشورهای تازه استقلال یافته را در حریم نفوذ خود نگهدارد و از آنها برای خرابکاری علیه کشورهای سوسیالیستی استفاده جوید. علی‌نا محمد این ادعا را که گویا اتحاد شوروی می‌کوشد، تا منطقه خلیج فارس را به منطقه نفوذ خود مبدل سازد و منابع نفت را به تصرف خود در آورد، "دروغ محض" نامید و گفت همه‌کس می‌داند که: "اتحاد شوروی چنین مقاصد را در سر نمی‌پروراند."

### اسرائیل بار دیگر از قبول قطعنامه سازمان ملل درباره فلسطین سر باز می‌زند

وزیر خارجه اسرائیل اعلام کرد که آن کشور به هیچ روی قصد ندارد قطعنامه سازمان ملل متحد را درباره فلسطین، که روز سه‌شنبه گذشته به تصویب مجمع عمومی رسید، جامعه عمل بپوشاند. این قطعنامه که با اکثریت بزرگ نمایندگان سازمان ملل متحد، اتخاذ شد، اسرائیل و یاران آن را فرا می‌خواند، که حقوق مردم فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت خود، را به رسمیت بشناسد مجمع عمومی سازمان ملل متحد از اسرائیل خواسته است که تا تاریخ ۱۵ نوامبر، فراخوانی نیروهای خود را از سرزمین‌های اشغالی عرب از جمله اورشلیم خوری، آغاز کند.

### توجه!

مقالات زیر را، که در هفته گذشته در نامه "مردم" انتشار یافت، برای مطالعه رفقای حزبی توصیه می‌کنیم: - توده‌ایها در ستکرا نقلاب (شماره ۲۹۲). - گسترش فعالیت قانونی حزب توده ایران - مستقیماً با تحکیم پایه‌های انقلاب ایران - بیوند دارد (شماره ۲۹۵)

### صد او سیبای جمهوری اسلامی ایران یا تریون دشنام گویی و بهتان زنی علیه حزب توده ایران

صدا و سیبای جمهوری اسلامی ایران، روش‌تفرقه‌افکنانه خود را علیه نیروهای مترقی و انقلابی، بویژه علیه حزب توده ایران، با بیگیری ادامه می‌دهد. بیگترین سازمان سیاسی مدافع جمهوری اسلامی ایران یعنی حزب توده ایران را به صدا و سیبای جمهوری اسلامی ایران و جلسات بحث و گفتگوی آن نه تنها راهی نیست، بلکه این ارگان مهم تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران، از واگذار کردن همه گونه امکان در اختیار افکارگویان و بهتان‌زنان به حزب توده ایران، دریغ ندارد. سیاست ظاهری صدا و سیبای جمهوری اسلامی ایران، آنستکه هیچ گروه سیاسی بی‌آنکه امکان برابر برای پاسخ گویی داشته باشد، نباید مورد حمله قرار گیرد. اما گویی حزب توده ایران به کلی از محدوده این ادعا خارج است گردانندگان صدا و سیبای جمهوری اسلامی ایران نه تنها میدان را برای تبلیغ و تحریک علیه حزب توده ایران به کلی فراق گذارده‌اند، بلکه به تقاضای مکرر حزب توده ایران برای ایجاد امکان پاسخگویی به این افتراات و دشنام‌ها نیز، هیچ‌گونه ترتیب اثری نداده‌اند.

روش غیرمستولانه و خصمانه صدا و سیبای جمهوری اسلامی ایران، چنان‌است که رئیس جمهور، آن را "ارگان فحاشی و مدحی" خوانده است، توصیفی که بی‌تردید بجا و دقیق است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با توطئه‌های خطرناک و گوناگونی از جانب امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن روبروست و در شرایطی که هرگونه کارکنی در امر اتحاد نیروهای مدافع جمهوری اسلامی ایران علیه امپریالیسم آمریکا و ایجاد تفرقه میان این نیروها، بی‌تردید مستقیماً بسود امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود، صدا و سیبای جمهوری اسلامی ایران با بیگیری شگفت‌انگیزی به این عمل اشتغال دارد.

در شرایطی که افکارکنان توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و سرسپردگان آن، دعوت مردم به هتباری و اتحاد علیه این دشمن خونخوار و مانع از ایجاد هرگونه انحرافی در اذهان مردم نسبت به خطر این شیطان بزرگ، ضرورت حیاتی دارد، صدا و سیبای جمهوری اسلامی ایران، با نقل و برانداخته‌های که سرسپردگان بکن و واژگان منسی و رشکنده، جبهه ملی علیه حزب توده ایران نگاشته‌اند (چون مقاله "نواب صوفی در انقلاب اسلامی" ۵ مرداد که فردای آن روز به‌طور کامل از صدای جمهوری اسلامی ایران بخش شد)، کام در راه بیرون آوردن امپریالیسم آمریکا از زیر ضربه خشم مردم و متوجه ساختن انظار آنها به جانب بیگترین حزب مدافع انقلاب می‌نهد. امری که بی‌تردید بسود فساد انقلاب تمام می‌شود.

### رهبران مذهبی شیلی با خونتای پینوشه به ستیزه برخاسته‌اند

"شورای جهانی صلح"، ادامه "سرکسوب مردم شیلی را از سوی گروه نظامی کوه‌تاگر پینوشه، شدیداً محکوم کرد، در بیانیه‌ای، که "شورای جهانی صلح" در هلسنکی منتشر ساخت، اعلام می‌گردد که در روزهای گذشته، ۳۰۰ تن از میهن پرستان، در شیلی دستگیر و معلوم نیست به کجا برده شده‌اند. بیانیه "شورا" خاطرنشان می‌سازد که کودتاگران وابسته به آمریکا اخیراً به سرکوب وحشیانه رهبران مذهبی پرداخته‌اند، که با رژیم ترور و اختناق به ستیزه برخاسته‌اند.

### تظاهرات سیاهوستان آمریکا بی‌علیه خسونت پلیس آمریکا

سیاهوستان آمریکا بی‌بار دیگر علیه خسونت پلیس آمریکا در ایالت جنوبی فلوریدا با اعتراض برخاستند. اینبار، این تظاهرات در منطقه سیاهوستان‌نشین اورلاندو، در حدود ۳۰۰ کیلومتری شمال میامی، بوقوع پیوست. پلیس برای سرکوب تظاهرات کنندگان، منطقه نامبرده را به محاصره خویش در آورد. به گزارش، هم‌اکنون چندین بار درگیری‌هایی میان پلیس و تظاهرات‌کنندگان صورت پذیرفته است.

### در ایستکی به امپریالیسم و حکومت پکن

### رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق در راه دستیابی به سلاح اتمی

به هدفهای استراتژیک نظامی جهانی آمریکا خدمت کند و به همین علت تعویبت بنیبه نظامی و تبدیل این کشور به سربل تجاوز علیه کشورهای مستقل و ملی همچو اتحاد شوروی از نظر آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و چنانکه می‌بینیم امروز با کستان به تریون مرکز تجمع و بسیج نیروهای فدا انقلاب افغانی تبدیل شده و مدارات مسلحانه امپریالیسم آمریکا و چین در افغانستان از طریق پاکستان انجام می‌گیرد و تحریکات متعدد علیه هند و علیه کشورهای اقیانوس هند از این کشور مسورت می‌گیرد.

اعلام آمادگی چین برای واگذاری میدانهای تیرآزمایشی سلاح اتمی جهت آزمایش سلاح اتمی با کستان نیز طبق توافق‌هایی است که در زمینه همکاری نظامی میان چین و آمریکا بدست آمده و به‌مورد اجرا گذاشته می‌شود. چین که بنا به گفته‌ها در سیاهوستان خود را شاهنشین عضویمیان نظامی تجاوزکاران و میدان‌دوستان به‌ظواهرات وزیر دفاع آمریکا بر او چنان‌خا وارد و در این پیمان نظامی تجاوزکاران را تشکیل می‌دهد، در فالیتهای نظامیگری امپریالیسم آمریکا در خاور میانه و آسیا و کمکیا و همکاریهای نظامی و تسلیحاتی بسا رژیم‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا در این منطقه سهم‌خود را ایفا می‌کند.

چندی پیش چین برای خرید سلاح از اسرائیل موافقتنامه‌ای با آن دولت امضاء نمود و در عین حال برای کمکیای نظامی و فروش سلاح به رژیم انور سادات قرار دادها تری بست و قبل از انعقاد این قرارداد مقدار زیادی لوازم یدکی جنگ افزار و چند فرونده هواپیما میگرداند. بدین ترتیب کمکیای نظامی چین به رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا و همکاریهای نظامی با حکومت صهیونیستی اسرائیل در این منطقه و اعلام آمادگی چین برای همکاری در تهیه سلاح اتمی با کستان نیز طبق توافق‌هایی است که در زمینه همکاریهای نظامی و تسلیحاتی رژیم‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا در این منطقه انجام می‌شود. تهیه سلاح اتمی از جانب رژیم دیکتاتور نظامی ضیاء الحق با مسووبات شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد منع گسترش سلاح اتمی و همکاری دول دارای سلاح اتمی بسا کشوردیگری جهت تهیه این سلاح منایرت کامل دارد و ناقض این مسووبات است. از سوی دیگر دستیابی رژیم دست‌نشانده ضیاء الحق به سلاح اتمی برای صلح و امنیت منطقه و در درجه اول کشورهای مستقل ملی همسایه با کستان و از آنجمله جمهوری اسلامی ایران بسیار خطرناک و اقدامی است شهیدانه میزک با قاطعیت با ید محکوم گرد و بوبرای عقیم‌گذاردن آن تدابیر جدی اتخاذ شود.

### گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

### نامه «مردم» فردا بمناسبت ۲۱ رمضان منتشر نمی شود

اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران:

## به یاری برادران دانشجو در زندان های آمریکای جنایتکار بشتابیم!

تصدیدجو فتنه را و ختنای علیه دانشجویان مبارزان ایرانی در آمریکا و سرکوب فاشیستی نظامی آنرا توسط پلیس آمریکا، با ردیگر ما هیت کثیف و ضد بشری امپریالیسم آمریکای عیان تر ساخت.

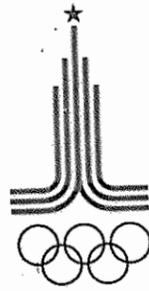
پلیس آمریکا با چنان سببیتی به سرکوب، ضرب و شتم و دستگیری نظامی هر کس که در انقلابی ایران پرداخت کند پس از سرکوب نظامی آنرا جنگ ویتنام را بی سابقه کرده است.

ایران پر از زندانیان آمریکایی است که در زندان های آمریکا با شکنجه های وحشیانه و بی رحمانه در انتظار آزادی هستند.

ما به یاری برادران دانشجو و دانشجویان مبارزان ایرانی در آمریکا و سرکوب فاشیستی نظامی آنرا توسط پلیس آمریکا، با ردیگر ما هیت کثیف و ضد بشری امپریالیسم آمریکای عیان تر ساخت.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران اقدامات سرکوبگرانه دولت آمریکا علیه دانشجویان ایرانی مقیم آن کشور را شدیداً محکوم می کند و خواهان آزادی فوری دانشجویان دستگیر شده است.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران خواهان آزادی فوری دانشجویان ایرانی مقیم آن کشور را شدیداً محکوم می کند و خواهان آزادی فوری دانشجویان دستگیر شده است.



## روح همبستگی بین المللی در میادین المپیک مسکو

اتحاد جماهیر شوروی در مسابقات المپیک آینده شرکت می کند. هنگام حضور با سرعت در استادیوم لنین مردم حاضرین با خاستند و یکصد فریاد زدند: زنده باد فلسطین!

دومبا همان بازی جمعی و شوت های خطا نا پذیر که شوروی نیرومند را مغلوب کرده بود، ایتالیا را هربا زدن ۸۶ گل در برابر ۷۷ گل شکست دادند. ایتالیا در این مسابقات دوم و شوروی سوم شد.

مسابقات هندبال هم به پایان رسید. در مسابقات هندبال زنان شوروی اول شدند و به دنبال آن یوگسلاوی و جمهوری دموکراتیک آلمان قرار گرفتند.

در فینال هندبال مردان آلمان دمکراتیک با یک امتیاز اختلاف شوروی را شکست داد و قهرمان المپیک شد. در این بازی شوروی دوم و رومانی سوم شدند.

در کشتی آزاد که جای قهرمانان ارزنده ایران در آن خالیست، سرنوشته این وزن ها معلوم شده است: ۶۲ کیلو: شوروی اول، بلغارستان دوم، یونان سوم.

۴۸ کیلو: ایتالیا اول، جمهوری دمکراتیک خلق کره دوم، شوروی سوم.

۹۰ کیلو: شوروی اول، آلمان دمکراتیک دوم، لهستان سوم.

۱۰۰ کیلو: شوروی اول، بلغارستان دوم، چکسلواکی سوم.

### اولین مراسم اختتام

سیزدهمین روز بازی های المپیک با اولین مراسم اختتام به پایان رسید. در این روزها حضور لیدر کیلانی رئیس کمیته بین المللی المپیک، مسابقات قایق رانی که در تالین برگزار شده بود طی مراسم باشکوهی پایان یافت.

لیدر کیلانی در این مراسم که رئیس کمیته بین المللی قایق رانی و رئیس کمیته ملی قایق رانی شوروی هم در آن شرکت داشتند، ضمن نقلی تاکید کرد که مسابقات قایق رانی المپیک مسکو ز بهترین ها بوده است.

### جدول مدالها تا پایان روز سیزدهم

Table with 4 columns: نام کشور, طلا, نقره, برنز. Lists medal counts for USSR, Germany, Bulgaria, etc.

### در حاشیه...

#### استقبال بی نظیر از سایر عرفات

با سرعرات رئیس جبهه آزادیبخش فلسطین دیروز در مسابقه فوتبال آلمان دمکراتیک و شوروی حضور یافت. با اعلام حضور او در استادیوم بیشتر از صد هزار تماشاچی که در همه مسابقات ورزشی، تیم های کشورهای جهان سوم را به اندازه تیم خود شوروی تشویق می کنند، بیجا خاستند و با فریادهای زنده باد فلسطین، زنده باد عرفات و آزادی فلسطین کردند.

#### بقیه از صفحه اول

### ترفند دیگر امپریالیسم...

نامه نمایندگان کنگره آمریکا دارای همان روح و محتوای "بیام" کارت است به امام خمینی در آستانه توطئه طبعی، در آن "بیام" نیز کارت مدعی شد که امپریالیسم آمریکا به هیچ رو با انقلاب ایران سر ستیز ندارد، و اگر تهدیدی متوجه انقلاب ایران است از سوی آمریکا نیست، بلکه از جانب شوروی است، پس هر دو سیستم (یعنی نظام امپریالیستی آمریکا و نظام جمهوری اسلامی ایران) که از سوی دشمن مشترکی تهدید می شوند، باید دوست و متحد یکدیگر باشند.

در نامه اعضا کنگره آمریکا همین ترفند آمریکایی بکار گرفته شده است. در این نامه از "طل آزاد"، "نیرو های صلح و توسعه طلب" و "خطرات مهمتری که صلح جهانی را تهدید می کند" سخن رفته است که تکرار طوطی وار خطر موهوم اتحاد شوروی و "لولوی کمونیسم" است، یعنی همان داروی خواب آوری که امپریالیسم آمریکا قبل از هر توطئه به خورد مردم ایران می دهد.

## از اطلاعیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام خطاب به انجمن های اسلامی دانشجویان کانادا و آمریکا

خوش و قهرا انقلابی شما جوانان مسلمان را ردیگر دولت آمریکا را علیه غم بوق و وکرناس و وسیع تسلیماتی تا مبنی بر آزادی و حقوق بشر به سببانه ترین اعمال واداشت.

ما هیت این بزرگ مفسدین زمین همانطوریکه خود را قرار کرده اند. در مقابل شما خونست روز افزون است چرا که از اسلام و ملت مسلمان ایران ضربات مهلکی خورده اند که تاب نتوان آنها را گرفته اند.

امروز دشمن شما ره یک آمریکا چیزی جز اسلام و امت اسلامی ایران و رهبران خمینیست است که نیست. ولایح، دودشمن، آنهم دو دشمن شما ره یک با هم ستیزی سخت و مهمی در پیش دارند و این ستیز با این نخواهد بود که مگر بسا شکست مستگیرین... دولت آمریکا با پدید آمدن که ما با آنها درستیزیم و میباید. اما ده ایم که هر توطئه ای را هر خدعه و فریبی را در نهان است قدرت و هوشیاری به یاری خدا دفع و بر مواضع خویش استوار و قاطع خواهیم ایستاد. آمریکا بدانند که خدعه ها و نیرنگ های او پس از بیروزی انقلاب و بخصوص پس از اشغال لانه جاسوسی و به پروگان گرفتن جاسوسان آمریکا بی منتظر شکست انقلاب اسلامی همچون ماه صرغ اقتضا دی، حمله نظامی، بمب گذاری در مرا بر عمومی و توطئه کودتا دستگیری نوکران و همیمانان در منطقه و همچنین مرگ محمد خای خائن این قاتل دهها شهید انقلاب هیچگونه غیبری در موضع گیری ملت ایران نسبت به دولت او ایجا نخواهد کرد. بلکه امت اسلامی بر رهبری امام خمینی تا شکست این آدمخوار بزرگ و افشای جناحیاتی در منطقه و بلکه در کل جهان به مبارزه خصمانه خود ادامه خواهد داد. خواهساران دولت آمریکا نسبت به شما پیمان گزاران انقلاب در دنیا و در تمام دنیا قدامت بوسا لسی و دروغین است که بنا به دفاع از حقوق بشر خود ساخته است. کار تر که در لحظه هزاران رزمنده جهان را به خاک و خون میکشاند. نسبت بر سوا سی این رسوای همیشه تاریخ..."

### در مطبوعات کشور

#### لاله بختیار، طراح پیشرفت زنان

#### ایران در زمان پهلوی، نماینده زنان

#### ایرانی در کنفرانس جهانی زن

لاله بختیار، طراح پیشرفت زنان ایران، در دوران پهلوی یکی از تهیه کنندگان کتاب پانزده میلیون تومانی ایران بنام «عناصر سرنوشت» که در سال ۱۳۵۷ از طرف دربار پهلوی منتشر گردید، امروز عضو هیئت نمایندگی زنان جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس جهانی زن در کینتاک میاند. ماخذ:

#### ۱- خبرگزاری فرانسه از کینتاک (۲۸ تیرماه ۵۹)

درباره هیئت نمایندگی ایران ولاله بختیار بعنوان سخنگوی هیئت نمایندگی زنان ایران، اخباری مخابره کرده است.

#### ۲- تأیید وزارت امور خارجه در مورد عضویت لاله بختیار در هیئت نمایندگی زنان ایران.

#### ۳- نام «لاله بختیار» در کتاب «عناصر سرنوشت»

سایران- از انتشارات دربار پهلوی و دفتر نرح و هویدا بعنوان یکی از نویسندگان ثبت گردیده است.

اطلاعات ۲۱ مرداد ۱۳۵۹

حتی کمر قتل آن را بسته است. لازم نیست که برای اثبات جنایات آمریکا به تاریخ مناسبت ۳۷ ساله ایران و آمریکا مراجعه کنیم، کافی است اقدامات امپریالیسم آمریکا در همین ۱۷ ماه اخیر بازبینی کنیم.

امپریالیسم آمریکا از همان آغاز در برابر انقلاب ایران، موضع خصمانه گرفت و کوشید تا مزدوری دیگر را به نسا بختیار جانشین شاه مخلوع کند، سفارت خود را در ایران به لانه جاسوسی بدل کرد و جاسوسان "سیا" در خاک کتو ما به توطئه علیه انقلاب دست زدند، امپریالیسم آمریکا میلیاردها دلار ثروت کشور ما را در بانکهای خود مسدود ساخته، خود و متحدانش دست به محاصره اقتصادی م زده، برای رویارویی با انقلاب ایران، تدارکات گسترده جنگی در اختیار می دهند و دریای عمان آماده نمود، نیروی ضربتی در خلیج فارس سازمان داده، رژیمهای دست نشانده خود را در منطقه صلح ننموده، به انگیزه "انساندوستانه چند میلیون تومان در اختیار "صدای آمریکا" گذارده ت روزانه هشت ساعت علیه انقلاب ایران تبلیغ کند و جعل دروغ و دشنام و اتهام بختی نماید. امپریالیسم آمریکا را آورد و در منطقه نشانند "دلگرمی" ضد انقلاب باشد زاهدی را به مصر برده و بختیار را به بغداد آورد و او پس و بالیزبان را به مرزهای ایران فرستاد تا اجزاء یک توطئه خطرناک را عملی سازند. خوشبختانه هشیاری مردم ه دو توطئه امپریالیسم را با شکست روبرو ساخت، اما نگ مردم ما فراموش می کنند که کارت به رئیس جمهور فرانسه پیام فرستاد که " آمریکا نمی تواند هیچ قیمتی از ایران آلمان صرف نظر کند." مردم می دانند که امپریالیسم آمریکا ایران را می خواهد، ایران بدون انقلاب را، با سر بریده از نوع بختیار و او پس، تا منافع آنرا چنان تامین کند شاه محمدم کرد.

جهد اسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پاسخ به نامه کنگره درست گفته است که:

«رابطه ما با آمریکا رابطه ای خصمانه است،

«امریکا دروغ می گوید،

«امریکا دائما اقدام در تشدید بحران می کند،

«امریکا تجاوزگر است.

نامه ۱۸۵ نماینده کنگره آمریکا، برده دود شیط بزرگ است تا در بنه آن، توطئه های دیگر و کودتایی در را علیه انقلاب ما سامان دهد.

Advertisement for 'نامه مردم' (People's Voice) newspaper. Includes address: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸. Phone: ۹۳۴۴۵۹-۹۳۵۷۲۸. Editor: منوچهر بهزادی.